

دلایلی ذکر نفرمودند تا بدان واسطه وقوع يك بحران سخت را پیش‌بینی توانم نمود. روز سه‌شنبه در مسجد سپهسالار واقع در جنب عمارات پارلمان جمعیت کثیری فراهم آمده و ملك المتکلمین و سایر ناطقین طرفدار ملت نطقهای مهیج نموده شاه را تهدید و اعمالش را تقبیح می‌کردند. ضمناً عزل و تبعید سعدالدوله و امیربهادر در جنگ را خواستار بودند. تطقها و موعظه‌ها که همه با شدت و حرارت ممزوج بود چندان نتیجه‌ای نبخشید و روز یکشنبه نزدیک ظهر به سفارت خبر رسید که عمأقرب^۱ يك اغتشاش عظیمی بروز خواهد نمود. آنگاه شنیدم که شاه قوه مضبوطی مرکب از فوج امیر بهادر و غلامهای کشیک‌خانه، قاطرچیان و ساربانها فراهم آورده و در میدان توپخانه ایشان را جا داده است و آنان برای حمله مجلس تصمیم عزم نموده‌اند و هم شنیدم که مشروطه‌طلبان همگی مترصدند به سفارتخانه متحصن شوند و از تحقیقاتی که فوراً بعمل آمده معلوم شد قسمت اول راپورت صحیح بوده و صورت وقوع دارد و من درهای سفارتخانه را امر به بستن نمودم و به هر دری يك نفر غلام گماشتم و توصیه کردم که هرگاه مردم بخواهند بدانجا داخل شوند مرا مستحضر دارند ولی چنین حرکتی اتفاق نیفتاد.

تمام صبح را مجلس منعقد بود و سعی می‌نمودند که علاءالدوله و ظل‌السلطان را که هر دو در آنجا حضور داشتند به بردن پیغام به نزد شاه وادار نمایند ولی هر دو از پذیرفتن تکلیف مجلس امتناع ورزیدند و ظل‌السلطان بطور مزاح سرزنش‌آمیز اظهار داشت که شاید نایب‌السلطنه (کامران میرزا) راضی شود که این مأموریت را در عهده گیرد. علاءالدوله که شاه احضارش فرموده بود در ساعت سه‌عازم دربار گردید و معجلا وی را تحت‌الحفظ با برادرش معین‌الدوله به کربلا تبعید نمودند. هیجانی با منتهای وحشیگری در دربار سلطنت که در آنجا کلنل لیاخوف و یکی دیگر از صاحب‌منصبان بریگاد قزاق با نسته‌ای از قزاقها نیز حضور داشتند مشتعل بود و اشخاص مسلح در تمام عمارات دربار مجتمع بودند.

رفتار با علاءالدوله باعث وحشت و اضطراب مجلسیان گردیده و در ساعت پنج مصمم شدند هیئتی را که شاه برای صبح دیگر خواسته بود همان ساعت به دربار سلطنت اعزام دارند و جلسه مجلس را تا مراجعت ایشان از نزد شاه امتداد بدهند. مع‌هذا آن هیئت شرفیاب نگردید و اعضای مجلس پس از اصغای گرفتاری ناصرالملک با کمال عجله به منازل خود شتافتند.

شاه‌وزراء را به دربار سلطنت طلبیده و ناصرالملک را که ابتدا ویرود نمود در تحت‌قید در آورد. یکی از منسوبین ناصرالملک موسوم به افتخارالتجار و نیز نوکرش که در معیت وی به دربار رفته بود اخبار حملات ناگهانی شاه را در ساعت شش و نیم به من رسانیدند و نوکر ناصرالملک اظهار داشت همچنانکه با آقای خود می‌رفتم آهسته به من گفت «به سفارت اطلاع بده که مرا در ساعت ده بقتل خواهند رسانید» این دو نفر با حال اضطراب و توحش از من تمنا می‌نمودند که فوراً کسی را از طرف سفارت برای استخلاص ناصرالملک گسیل دارم. استحضار از خیالات چند ساعت قبل شاه مشهود ساخت که ناصرالملک

(۱) عمأقرب = بزودی م.

به مخاطره دچار آمده است، و من فوراً مستر چرچیل را برای تحصیل تأمین حیات آنجناب به دربار فرستادم و نیز گفتم که اگر تأمین ندهند من خود برای وصول آن به دربار خواهم آمد. وزیر مختار روس را از اقدامات خویش در این خصوص مستحضر نمودم. مستر چرچیل که به دربار وارد شد ناصرالملک را در يك اطاقی محبوس یافت در صورتیکه سایر وزراء در اطاق دیگر مجتمع بوده و معناً در تحت مراقبت امیر بهادر جنگ نیز محبوس بودند. خبر مأموریت مستر چرچیل ایشان را قوت قلب بخشیده ولی برعکس باعث اضطراب و تشویش مستحفظین آنها گردید. پس از اندکی مستر چرچیل حضور شاه پذیرفته شد و آن اعلیحضرت را در صدر و ذیل صحن یکی از عمارات با کمال وجد و بشاشت گردش کنان یافت. شاه اظهار فرمودند هیچگونه قصدی در ایذاء ناصرالملک منظور نبوده و به هر جا که بخواهد می تواند با کمال آزادی عزیمت نماید و همچنین درباره سایر وزراء مقصودی نداشته ام و مکرر می فرمودند «ترسیده اند».

مستر چرچیل از حضور شاه به اطاقی که وزراء در آنجا جمع بودند مراجعت نمود و اندکی بعد ناصرالملک نیز بدانجا وارد گردید. بالاخره دستخطی از شاه رسید مبنی بر اینکه «آن اعلیحضرت از ناصرالملک راضی بوده و استعفای او از موقع وزارت پذیرفته شده و آزاد است به هر جا که میل داشته باشد عزیمت نماید». پس از آن هیئت وزراء مجتمعاً از دربار خارج و ناصرالملک با معیت يك نفر غلام سفارت که مستر چرچیل همراه وی روانه نموده بود در ساعت هفت و نیم به خانه خویش وارد گردید. حال اینکه ناصرالملک به مخاطره نزدیک بوده و یا خطری نداشته خالی از اشکال نیست. ولی اوضاع دربار در نظر مستر چرچیل چنین حکایت می نمود که با ناصرالملک و سایر وزراء با خشونت رفتار شده و ترس ناصرالملک از اینرو معلوم می شود که از من خواهش نمود دکتر نیلکان را به عنوان طبابت و پرستاری همراه وی تا رشت اعزام دارم چنانچه در سنه ۱۸۹۷ [۱۲۷۶ خ ، ۱۳۱۴ق] دکتر اسکلی را با اتابک مرحوم به قم روانه نمودیم. جواب دادم من فعلاً نمی توانم اقدام به این کار نمایم لکن به رئیس غلامهای سفارت اجازه دادم که شب را در منزل ایشان متوقف گردد و نیز مقرر داشتم دو نفر غلام همراه آن جناب تا رشت بروند و صبح دوشنبه اول طلوع آفتاب حرکت فرمودند. انجمنهای ولایتی قزوین و رشت سعی داشتند که جناب ایشان را بمعاضدت طهران مایل گردانند ولی در عزیمت به اروپا جداً ایستادگی داشتند و روز بیست و چهارم به جانب باکو و پطروس حرکت نمودند. مستر رایینو رئیس بانک شاهنشاهی يك نفر از غلامهای مستخدم بانک را در خدمت آن جناب تا باکو روانه داشت. روز سیام ماه به وینه وارد گردیدند و ازاده دارند از آنجا به انگلستان عازم شوند.

حال بر گردیم به شرح وقایع اتفاقیه طهران. هیچ شکی نیست که شب دوشنبه اعلیحضرت شاه خود را به مقاصد خویش موفق می دانست. هیئت وزرا منحل، اعضای مجلس بواسطه گرفتاری ناصرالملک و علاءالدوله ترسیده و متفرق گشتند. از انجمنهای سیاسی که یگانه پشتیبان مجالس بودند اظهار احساساتی نشد. قشون شاه موجبات بیم و هراس اهالی شهر را

فراهم نموده چیزی که برای تکمیل حمله پلتيکی شاه (کودتا) باقی مانده همانا تصرف بهارستان و مسجد سپهسالار و دستگیر نمودن عده‌ای از قاندين ملت بود. ولی یا بواسطه اینکه اقدامات خود را مکفی دانسته و یا بجهت عدم جرئت دیگر اقدامی از وی به ظهور نرسید و مظنون اینست که اقدامات سفارت در خصوص ناصرالملک نیز در اوضاع بی‌اثر نبوده و بنابراین فرجه‌ای برای مشروطه‌طلبان بدست آمد. صبح دیگر که مجلس بطور معمول انعقاد یافت اسباب حیرت عامه گردید و انجمنهای سیاسی را موقعی بدست آمده مجدداً قوت قلب و تجری حاصل نمودند.

در ظرف آنروز جمعیت کثیری از مردم باغ بهارستان و مسجد سپهسالار را که در جنب آن واقع است فرا گرفته و اعضای مسلح انجمنها رفته رفته بر فراز بامهای مجلس و مسجد برآمده و سایر نقاط سرکوب را به حیطة تصرف در آوردند و از قراری که معروف بود تا اواخر آن روز سه هزار نفر تفنگچی برای مدافعه و حفظ مجلس حاضر گردیدند. همان روز از طرفداران مجلس در دو موقع نزد من آمده استفسار نمودند که آیا سفارت از طریق می‌مکن است با تجددطلبان کمک و همراهی نماید؟ من بطور واضح جواب دادم که هیچگاه در اینگونه اوضاع مداخلتی نخواهم نمود و هر قدر بتوانم سعی می‌نمایم که نگذارم سفارت را مجبور به مداخله گردانند. آن دونفری که به ملاقات من آمده بودند اظهار داشتند که حزب آنها به مهاجمه اقدام نخواهند نمود و هر گاه به ایشان حمله شود تا به آخر به مدافعه خواهند پرداخت.

شب به آرامی در گذشت هر چند مانند شبهای قبل چند تیری در میدان توپخانه و اطراف آن شلیک شد. یک عده مختصری از اشخاص مسلح برای حراست و حفظ مجلس متوقف گردیدند. قزاق در کوچه‌ها پاسبانی و گردش می‌نمود. صبح سه شنبه ۱۷ همین ماه عده‌ای از اهالی ساکن در مرتع رزمه و ایلخی شاه را که در نزدیکی ورامین واقع است به شهر آورده و در گوشه غربی میدان توپخانه جای دادند. برای آنها چادرها برافراشته خوراک و مسکراتشان را مهیا ساختند و دسته‌ای از قزاقها با چند عراده توپ در جنب آنها قرار گرفتند.

برخی از اشرار در اواسط روز از آنجا رفتند ولی در اواخر روز مجدداً بر جمعیت آنها افزوده گردیدند، تعداد چادرها بیشتر شد. دو نفر را در آنروز بقتل رسانیده و به چند نفر دیگر حمله آوردند. چون ادارات تلگرافخانه ایران را شاه مسدود و مخابرات را غدغن داشته بود بعضی از رؤسای ملاها و روحانیین از من تمنا نمودند که یک رشته تلگرافاتی با سیم انگلیس مخابره نمایند و می‌خواستند با این تلگرافات علمای تمام شهرهای بزرگ ایران و کربلا و نجف را از وضعیت طهران مستحضر دارند. من از پذیرفتن درخواست آنها امتناع ورزیدم چنانچه مستر بارکر رئیس تلگرافخانه هند و اروپا نیز تقاضای آنها را در این خصوص نپذیرفت.

مکتوبی از طرف مجلس به سفارت و سایر مأمورین فرستاده شده مشعر بر تذکار کوشش مردم در رهایی یافتن از ظلم و استبداد و شاهد خواستن ما را در حقانیت منظور خود و تمناى مساعدت در نیل به آزادی.

تمام صبح را مجلس منعقد و در موضوع تقاضاهائی که بایستی از شاه بشود مشغول مذاکره بود و بعد از ظهر هیئتی را انتخاب نمود که حضور آن اعلیحضرت تشریف یافته قبول مطالب ذیل را درخواست نماید:

- (۱) عزل سعدالدوله
- (۲) قرار دادن امیربهدر را در تحت اوامر وزیر جنگ.
- (۳) داخل ساختن بریگاد قزاق را در جزو وزارت جنگ.
- (۴) قسم یاد کردن شاه در حضور مجلس برای رعایت قانون اساسی.
- (۵) تنبیه آنکسانی که بطرف مجلس شلیک کرده بودند.
- (۶) تشکیل دویست نفر گارد ملی برای حراست مجلس.

بعد از ظهر که به سفارت روس می رفتیم، از جلو مجلس گذشته فقط یکصد نفری در حوالی آن متوقف دیدم و نیز عده مختصری از تفنگچیان بالای بامهای عمارات اطراف مشاهده کردم. بعضی از داکین جنب مجلس باز بود و چون از عده ورامینیها که در توپخانه اجتماع داشتند کاسته شده بود چنین بنظر می آمد که اوضاع بهبودی حاصل کرده و به ملاحظه تقاضاهائی که مجلس از شاه نموده بود تا اندازه ای در اوضاع اثر بخشید.

جوابهای شاه مانند همیشه مبنی بر همراهی بود ولی مراجعت ناصرالملک و علاء الدوله را که قبلاً درخواست شده بود نپذیرفت. جلسه مجلس امتداد یافت. جمعیت اطراف مجلس روبه ازدیاد نهاد تا اینکه عده مردمان مسلح به ششالی هفت هزار بالغ گردید. هم در این حال حامیان شاه در ازدیاد عده خود کوشش داشته تا آنکه عده آنها در میدان توپخانه به هزار و پانصد نفر رسید. رؤسای مشروطه طلبان از جان خود امین [= ایمن؟] نبودند عده قلیلی از آنها در منازل خود شبها را بسر می بردند مابقی اوقات خود را در مجلس و اطراف آن صرف می نمودند. روز دیگر اوضاع بدون تغییر باقی بود. با اینکه معلوم بود تقاضای شاه در خصوص تبعید چهار پنج نفر و کلای طراز اول هرگز پذیرفته نمی شود مع هذا مذاکرات مابین مجلس و شاه در حالت جریان بود.

روز سه شنبه چون رؤسای ملت مقام خود را در حالت امنیت یافتند اتباع خود را به ترک بهارستان ترغیب می نمودند و اظهار می داشتند به قول و اطمینانی که شاه داده اعتماد دارند که دیگر برضد مجلس مخالفت و قیام نخواهد نمود. با وجود این صحن مسجد مجاور مجلس را هنوز مردم در قبضه داشتند، و از طرف اشخاصی که در میدان توپخانه متوقف بودند به قصد اینکه آتش فتنه را مشتعل دارند دوبرتبه اسباب انقلاب را فراهم آوردند. در اواخر همان روز از رشت و قزوین و تبریز تلگرافات طرفداری از مشروطیت و جنبش عمومی مخابره گردید در صورتیکه انجمن تبریز اعلان نموده بود که شاه را باید معزول نمود. روز جمعه چادرهای اشرار که روز سابق برچیده شده بود مجدداً برپا گردید. تلگرافات دیگر که شاه را به عزل و یا قتل تهدید می نمود از ایالات دیگر مخابره گردید و در اواخر روز هرچند فریقین در تمام روز آرام بودند و یک هیئت وزرائی با اینکه واقعیت نداشت صورتاً تشکیل یافت، اوضاع عموماً مانند همیشه ناگوار بود. هنگام عصر خواهرزاده سعدالدوله موسوم به محمدخان به ملاقات من آمده و خواهش نمود مکتوبی به مضمون اینکه سعدالدوله

در حمایت دولت انگلیس است به شاه بنگارم. این خواهش نظر به این بود در ۱۹۰۶ [۱۲۸۵ خ؛ ۱۳۲۴ ق] وقتی که سعدالدوله به قنصلگری دولت فحیمه مقیم یزد پناهنده گردید سفارت اعلیحضرتی از هیئت دولت شاه متوفی امنیت جانی برای وی تحصیل کرد. من از پذیرفتن این خواهش امتناع نمودم. روز دیگر، یعنی ۲۱ ماه جاری، همچو معروف بود که شاه تمام مستدعیات مجلس را پذیرفته و کابینه جدید تشکیل یافته. باز در وضعیت امور چندان بهبودی مشهود نبود. مردم از عناصر ترکیبیه [= ترکیبیه؟] کابینه رضایت نداشته و اقوال شاه را صدق نمی‌دانستند. علامات افسردگی در دربار سلطنت ظاهر و هویدا بود و شاه بواسطه اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌طلبان قویاً مضطرب بود و از این روی بغتتاً حضرت والا را امر نمود که ایران را ترک کند. ظل‌السلطان بهرام میرزا پسر خود را برای درخواست حمایت فوراً به سفارت روانه داشت ولی بواسطه سابقه اطلاع از اینکه ظل‌السلطان اسلحه و بلکه پول به انجمنها فرستاده و پسرانش مسلح در بهارستان حاضر بوده‌اند از روی گرمی از وی پذیرایی نکرده و خاطر نشان نمودم که پدرش باید به مکتوبات مختلفه دولت انگلیس راجع به موضوع حمایت که در موقع لزوم می‌تواند منتظر بشود مراجعه نماید.

روز یکشنبه در ساعت ۱۱ چنانچه از پیش ترتیب داده شده بود مسیو دوهارت و یک و من حضور شاه شرفیاب شدیم. مسیو دوهارت و یک اوضاع را بطور واضح بیان نموده و از اعلیحضرت شهریاری مستدعی شد که اطمینان کامل بدهد بعدها نسبت به مشروطیت اظهار ضدیت ننماید. آن اعلیحضرت در جواب فرمودند من هرگز مخالفتی با پارلمان ندارم و اظهار داشت قانون اساسی که من خود امضاء کرده و بضه پدرم موشح داشته‌ام چگونه از آن تخلف می‌ورزم، و من مایلم انجمنهاییکه به من و خانواده من تهمتها بسته و هتک احترام می‌نمایند و آشکارا مشغول شرارت هستند برچیده شود.

معروض داشتیم اطمینان و قول آن اعلیحضرت که قصد مخالفت با مجلس نداشته و در راه خوشبختی مملکت خواهد کوشید ما را خوشوقت ساخت. این تشریف در مدت کمتر از یک ربع ساعت صورت وقوع یافت و در ساعت سه من و مسیو دوهارت و یک به ملاقات ظل‌السلطان رفته و مقصود خودمان را از این ملاقات با نظریات دیگر که راجع به آن والا حضرت بود اظهار داشتیم.

در این حال اوضاع عمومی بیشتر تهدیدآمیز گردید. انجمن تبریز به منعکس داشتن و نشر عقیده خود در عزل شاه موفقیت حاصل نمود و شهرهای بزرگ که احساسات مشروطیت در آن نقاط ریشه‌های خود را گسترانیده بود مظهر هیجان شدید شدند.

از شیراز، اصفهان، کرمان، قزوین، مشهد، و رشت تلگرافاتی مخابره شد مشعر بر این که ما حاضریم قوای مسلحه خودمان را به طهران اعزام داریم و این اظهار احساسات بر ضد شاه به سایر ولایات سرایت نمود. عدم رضایت عامه از کابینه جدید که دو سه نفر آنها مظنون بودند به اینکه آیا با مشروطیت موافقت خواهند کرد یا نه مشهود و نیز هیجان مردم برای تنبیه رؤسای اشرار اتصالاً رو به ازدیاد می‌نهاد. اگر چه در میدان توپخانه کسی باقی نماند بالعکس بهارستان و مسجد سپهسالار بر جمعیت خود افزود و در آن شب صدای شلیک تفنگ نسبت به شبهای قبل کمتر شنیده شد.

صبح روز سه شنبه شهر را مانند همیشه در حالت آرامی یافتیم جز اینکه هنوز جمعیت در مجلس و مسجد سپهسالار به حالت سابق باقی بوده و بازارها تعطیل و مجلس منتهای جدیت را در ترغیب متفرق گردیدن انجمنها مبذول داشت. در اواسط روز معلوم شد مشروطه خواهان چون احساس نموده اند غلبه با ایشان بوده مایل شده اند که مظفریت خود را به درجه کمال رسانند لذا مستحفظین آنزبایجانی شاه را آشکار تهدید نمودند که هرگاه دست از محافظت و همراهی شاه برندارند زنها و اطفال ایشان گرفتار زحمت خواهند شد، و بریگاد قزاق نیز در هواخواهی شاه مورد تهدید گردید. در عزل و قتل شاه علناً دلایل ذکر می کردند. درباریان به اعلی درجه افسرده خاطر بودند، شاه از جان خویش در خوف و هراس بود. اتباع و ملازمانش از وی کناره نمودند و از هر طرف گفته می شد که آن اعلیحضرت بیش از یک هفته زنده نخواهد ماند.

بعد از ظهر به ملاقات وزیر مختار روس رفته و مدتی در خصوص اوضاع به مذاکره پرداختیم و چنین دانستیم که فعلاً نگاهداری شاه در سریر سلطنت خیلی بجا و مهم شمرده می شود زیرا ظاهراً موقع ایران را برای ممانعت از ابتلای به هرج و مرج شدیدتر از این فقط به بقای او احساس کردیم. اگر وی معزول گردد محتمل است که نیابت سلطنت مدتها بطول انجامد و تمام ایرانیان بی غرض متفقند بر اینکه آنوقت يك مجلس مشاوره نیابت سلطنت بدون اختیاری مانند مجالس جمهوری تشکیل خواهد یافت ولی بواسطه رقابت و اغراض شخصی اقدام به يك چنین عملی البته هرج و مرج سختی را با تشکیل يك حکومتی ضعیفتر از دولت حالیه نتیجه بخشیده که دیگر امیدی نخواهد بود.

پس اگر دولت مشروطه بخواند اقدام صحیحی بکند بهترین موقع مظفریت آن با داشتن پادشاهی است که تکالیف آنرا قبلاً به او تعلیم داده باشند.

بنابراین چیزی که اکنون اهمیت خواهد داشت نگاهداری شاه است. لیکن در اینخصوص کاری از ما ساخته نخواهد شد زیرا با يك عده قلیلی که به سفارتین اتصال دارند سعی در حفظ شاه منتهای حماقت است. بعلاوه تا وقتی که وزیری موجود نیست و تا مدتی که مجلس و اداره حکومتی در قبضه اقتدار انجمنهای شورش طلب است هیچگونه نفوذ و قدرتی ابداً پیشرفت نخواهد نمود.

اواخر همان روز سعدالدوله از دربار سلطنتی که تا سه چهار روز قبل در آنجا توقف داشت خارج شده و در سفارت هولند [هلند] «متحصن» گردید.

روز عید مسیح و دو روز بعد از آن احوال جاریه به سکوت و آرامی گذشت با اینکه از عده جمعیت اطراف عمارت مجلس و مسجد سپهسالار کاسته نشده بود. شاه که قول داده بود اشخاصی را که روز ۱۶ بسمت بهارستان شلیک کرده و مرتکب بعضی تجاوزات در شهر شده بودند مجازات بدهد هیچگونه اقدامی نکرده و به عهد خویش که قرار داده بود در مجلس حاضر گشته با قرآن قسم یاد کند ایفاء ننمود.

روز جمعه ۲۷ عده ای از طلاب به ریاست شیخ فضل الله که از همان وقت مطرود مجتهدین بزرگ و علمای عمده کربلا شده بود و نیز سید علی یزدی که یکی از فراهم آورندگان طرفدارهای شاه شناخته می شد به مسجد مروی واقع در مشرق عمارات سلطنتی «تحصن»

یافتند و برخی از اشار که یکی از شروط با شاه تنبیه آنها بودند نیز در معیت آنها بدانجا پناهنده شدند.

جمعی از طلاب در شب یکشنبه سعی داشتند که به سفارت روس متحصن شوند ولی از ورود ممنوع آمدند و روز یکشنبه کوشش می نمودند که به سفارت عثمانی ملتجی شوند و بسیاری از آنها تا روز ۳۱ ماه در اطراف آن سفارتخانه باقی بودند.

شاه از روز عید میلاد مسیح از اندرون (عمارات داخلی) بیرون نیامد و در دو موقع که وزیر مختار هلند تمنای شرفیابی حضور آن اعلیحضرت را در موضوع تحصن سعدالدوله به سفارت هلند نموده بود متعذر به کسالت گردید.

خیلی اشکال داشت در اینکه طریقه‌ای بدست آورد که بدان واسطه مجلس را به قولی که شاه داده بود متقاعد ساخت و مع هذا روز جمعه مشیرالدوله لایحه مبهمی به مسیو دوهارت ویک فرستان که از آنرو هر یک از سفارتین (روس و انگلیس) مکتوبی جداگانه به رئیس مجلس ارسال دارند و ما همان را اساس قرار داده مراسله‌ای به زبان فرانسه نوشته و روز یکشنبه نزد آنجناب فرستادیم. جناب ایشان مختصر تغییراتی که ما نیز تصدیق آن را کردیم به آن داده و مجدداً اعاده نمودند و بعد از ظهر یکشنبه نزد رئیس مجلس ارسال داشتیم.

آنرا که من خود نوشته بودم سوادش را با کمال افتخار لفاً تقدیم می دارم؛ اگر چه هنوز در مجلس قرائت نشده لیکن مشیرالدوله اطمینان داده است که عایق و مانعی در قرائت آنها پیش نخواهد آمد.

ملفوف اول در تلو نمره ۹۴ (ترجمه مکتوب فرانسوی به انگلیسی)

پس از تبادل نظریات وزیر مختار دولت روس و شارژ دافر دولت بریتانیا [بریتانیا] راجع به اقدامات بر طرف ساختن مخاطرات اوضاع کنونی نتیجه چنین حاصل گردید که :
(۱) اعلیحضرت قدر قدرت باید همیشه با مجلس ملی متحداً در کارها اقدام فرموده و در فکر اصلاح مملکت باشند و هیچوقت متشبث به اقداماتی که مخرب اساس مشروطیت است نشوند.

(۲) حسیات وطن پرستانه شاه را به مجلس اطلاع داده بطوریکه بعدها مشاجرت مابین مات و دولت اتفاق نیفتاده و به یکدیگر اعتماد نمایند و پس از آنکه مجلس اطمینان یافت آنوقت می تواند خود را از حمایت و حراست انجمنهای شورش طلبی که هیچگونه مسئولیتی در اعمال حکومت نداشته و مملکت را دوچار هلاکت و مخاطره می نمایند و دو روز قبل یکی از آنها موسوم به انجمن آذربایجان جسارت ورزیده ورقه‌ای در خصوص عزل شاه اشاعت داد مستغنی سازد.

(۳) و باید به ظل السلطان اکیداً خاطر نشان نمود خطی که در اشغال سریر سلطنت بتازگی تعقیب می نماید تصویری است باطل و نیز استفاده از شورانیدن مردم خیالی است خام. نمایندگان روس و انگلیس علاوه بر پیشنهادهایی که به شاه تقدیم داشته‌اند مصمم شده‌اند

که نزد ظل‌السلطان رفته او را از خطرات رفتار و خیالاتی که مخالف قول خود که درموقع درخواست حمایت از سفارتین داده بود [درس دارد] آگاه سازند. چون دولتین روس و انگلیس قول داده‌اند که ولایت عهد را در خانواده پادشاه حاضر بشناسند لهذا نمی‌توانند سلوک و رفتار آن والا حضرت را شایسته بدانند و بایستی مخاطره حرکاتش را به وی بفهمانند.

ملفوف (۴) در لف نمره ۹۲

مراسله مستر مارلینگ به رئیس مجلس

طهران ، مورخه سی ام دسامبر ۱۹۰۷
[۸ دی ۱۲۸۶ ؛ ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵]

جناب رئیس

مشروحه مورخه ۱۱ ذی‌قعدة که از طرف مجلس راجع به حوادث و وقایع این چند روز اخیر بود واصل گردید.

از مقاصد حسنه مجلس با کمال وجد مستحضر گردیدم .

کسانی که از روی صداقت کمال موافقت و همراهی را با ایران دارند مخصوصاً سفارت دولت فحیمه انگلیس که مایل ترقی و خوشبختی این مملکت است منتظرند این بی‌نظمیها بزودی خاتمه پذیر شود و از طریق احساسات انسان دوستی ساعی بوده‌اند که اوضاع اسفانگیز چند روز اخیر را آرامی حاصل آید. بنابراین مایل شده‌اند که اعلیحضرت شاهنشاهی را از نتیجه وخیمه يك چنین اوضاع مغشوشه مسبوق سازند.

لهذا از راه دوستی من خود اطمینان می‌دهم که حسیات اعلیحضرت شاه در خصوص پارلمنت با آرزوهای ما در سعادت این مملکت مطابقت تامه دارد و شخصاً آن اعلیحضرت مرا از عزم ثابت خود مطلع ساختند که با مراعات اصول مشروطیت و موافقت مجلس ملی مواد قانون اساسی را مجری دارند. من یقین دارم که آن اعلیحضرت در آتیه برخلاف قسم و قولی که به مجلس ملی داده است اقدامی نخواهند فرمود.

در این موقع که اتحاد مابین دولت و مجلس ملی برقرار شده است تیریکات قلبی خودم را به پارلمنت تقدیم می‌دارم .

از آن جناب متمنی هستم که مطالب فوق را به اعضای مجلس متدیس ملی اطلاع بدهند و تصور می‌کنم که می‌توانم یقین حاصل نمایم که وکلای محترم يك علامت و دلیل جدیدی به احساسات دوستانه و نیکخواهی صمیمانه‌ای که دولتین انگلیس و ایران را به یکدیگر متحد ساخته است در این مطلب مشاهده و ملاحظه خواهند نمود.

(امضا) چارلس م . مارلینگ

نمره - ۹۳

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (وصول ۲۰ ژانویه)

از طهران ، دویم ژانویه ۱۹۰۸

[۱۱ دی ۱۲۸۶ ، ۲۷ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

آقا

هرچند طهران اکنون بالنسبه آرام است و در ایالات کمتر از آنچه گمان می رفت که اگر اطلاع از حوادث پایتخت بهمرسانند بی نظمی بظهور خواهد رسید [ناآرامی دیده می شود] ولی ترس آن است که این سکوت و آرامی فقط موقتی باشد و رفته رفته مملکت را هرج و مرج شدیدتری فرا گیرد.

مردم در کش مکش با شاه مظفریت کاملی حاصل نمودند ولی امید آن را ندارم که حکومت مشروطه بر روی پایه و اساس بادوامی استقرار یابد. در حقیقت شاه فعلاً تسلیم محض است و اکنون از عمارات داخلی سلطنتی خارج نمی شود. بیاناتی که انجمن ایالتی تبریز در کذب اقوال شاه و بی کفایتی حاکم آذربایجان اشاعه داده سبب هیجان عامه و بی اعتمادی مشروطه طلبان و نفرت ایشان از آن اعلیحضرت گردیده و بیم آنست که اگر مجدداً مردم تصور نمایند که شاه در مخالفت با مجلس کوشش دارد آن وقت گرفتار خشم و حملات آنان گردیده از سلطنت معزولش خواهند ساخت؛ فقط اگر بتواند جانی سلامت بدر خواهد برد. پیشرفت حکومت مشروطه چنانچه در مراسله دیگر اشارت نمودم ظاهراً به بقای محمد علی شاه در سریر سلطنت خواهد بود ولی نمی توان امیدوار شد که وی از این گونه مداخلاتی که باعث هیجان و خشم گردیده احتراز نماید.

از طرف دیگر مجلس و حامیانش سزاوار ملامت می باشند و مجلس تا اندازه ای بواسطه مداخلات مضره انجمنها بهیچوجه شایستگی خود را در اجرای وظائف خویش ظاهر نساخت و یکی از ایرانیهای بی طرف چنین می گفت که اگر شاه حمله پلتیکی خود را تا چند ماه بتعویق می گذرانید نظر به اینکه حکومت مشروطه برای ایران زود بوده هر آینه عامه مردم برجیدن مجلس را بالصرافه درخواست می نمودند.

لیکن بواسطه نادانی و فساد اخلاق است که فقط قلیل اشخاصی از اعضای مجلس شاید از روی واقعیت مایل به تجددهستند و هر چند برخی از آنان مانند تقی زاده اهمیت موقعی در مجلس کسب کرده ولی اکثریت و کلاً که همگی بی علم و جاهلند غالباً فرمان بردار پنج شش تن از اعضای متنفذ که فواید شخصی خود را همی طالب و در حقیقت امور مجلس را به قبضه اختیار در آورده اند می باشند. بی تدینی و فساد اخلاق آنان رافقط یک مثل کافی خواهد بود از این قرار که مبلغ کثیری پول به عنوان تشکیل بانک ملی و غالباً به تهدیدات غیر مستقیم از اشخاصی که به ارتجاع مظنون بودند عنفاً گرفته و به یکی از نواب ریاست مجلس به رسم امانت سپرده شد. صورت حساب آن را که یحتمل به مقدار صد و پنجاه هزار لیره (۸۰۰،۰۰۰ تومان) بوده بهیچوجه ارائه ندادند و شاید آن را به ارباب

حقوق پرداخته باشند ولی در افواه چنین شایع است که مجلسیان وانجمنها تماماً را به مصرف خود رسانیده‌اند. حال اگر این مطلب صدق باشد در این صورت با يك چنین بی‌تدینی و جلب منافع شخصی و بی‌اعتمادی از یکدیگر بواسطهٔ تقلب کردن بهم از همچه مجلسی بهیچوجه امیدی نخواهد بود و نیز احتمال آن نمی‌رود که در انتخابات آتیه وکلای بهتری منتخب شوند. حقیقت مطلب آن است که هنوز ایران شایسته حکومت شوروی و مشروطه نبوده و تا دو عصر دیگر هم نخواهد بود.

باز همچه معلوم می‌شود که وزراء بدون مراعات هیچگونه صلاحیتی مجبور به قبول مشاغل شده‌اند و باوجود اینکه شاه مسلوب القدرت گردیده ولی هنوز مانند ایام استبداد به منتهی درجه از وی در بیم و خوفند، و قوهٔ مجریه بواسطهٔ ترس از استبداد و خراب کردن مجلس و انجمنها بکلی مفلوج و از کار باز مانده.

ایران را شخص صاحب عزم باقوه‌ای لازم است که نگذارد بواسطهٔ ضعف طبیعی که حاصل نموده از هم متلاشی شود ولی وجود يك چنین شخصی نایاب و استخلاس ایران از این تقدیر نامقدور است. ممکن است رؤسای ملت درك نمایند که در بقای شاه حاضر بیشتر امیدواری به استقرار اساس موجوده خواهد بود و در آن حال بی‌نظمی که تا مدتی بطول انجامید بالنسبه بطور آرامی بوده و بدتر از هرج و مرجی که در چند ماه اخیر وجود داشت نخواهد بود. از طرف دیگر باز احتمال قوی می‌رود رفتار و اعمال شاه که از زوی احتیاط نبوده مجدداً خشم و هیجان عامه را برضد خود برانگیزانده و بدان واسطه از سلطنت معزول گردد.

چیزی که می‌تواند امیدوار نماید که اگر بی‌نظمی به ظهور رسد چندان شدت و دوامی نخواهد داشت عبارت است از حالت مسالمت‌آمیز مردم که نمی‌توان آن را تعبیر به ترس نمود و این مسئله را از این رو می‌توان سنجد که با وجود آن همه هیجانها که در این بحرانهای اخیر بر روز نمود هیچگونه تصادمی مابین فریقین متخاصمین بظهور نپیوست.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۹۴

مکتوب سر نیکلسن به سرادوارگری (وصول ۲۰ ژانویه)

از سنت پترزبورغ، مورخهٔ ۱۵ ژانویهٔ ۱۹۰۸

[۲۴ دی ۱۲۸۶؛ ۱۰ دیحجهٔ ۱۳۲۵]

آقا

دیروز اعلیحضرت امپراطور موافق معمول شرفیابی حضور را در تسارسکوئه سلو باردادند. هیئت دیپلوماتیک تبریکات خودشان را در این موقع سال جدید تقدیم داشتند. من وقت زنا مقتنم شمرده که به آن اعلیحضرت عرضه بدارم دولت فحیمهٔ انگلستان از اعمال متفقانهٔ صمیمی مسیو ایترولسکی که در بحرانهای ایران با ما نموده خشنود و مسرور می‌باشد و نیز فوایدی که از هم‌آهنگی و اقدامات متحدانهٔ دولتین به ظهور پیوسته به عرض رسانم. ومن

شهادت می‌دهم که وضع و سلوک مسیو ایزولسکی در این حوادث اخیراً ایران تماماً از روی صداقت و صمیمیت بوده.

باری اعلیحضرت امپراطور فرمودند مخصوصاً از روش دوستانه‌ای که دولتین در اقدامات متفقۀ خود مرعی داشته‌اند مشعوفم و همچنین از دو نماینده دولتین مقیمین دربار ایران که با یکدیگر صمیمانه به کار مشغول شده‌اند رضائیت خاطر حاصل است. و نیز به کنسولهای دولتین مقیم ایران که تعقیب مسلك متحدانۀ دولتین متبوعتین خود را نموده‌اند اهمیت بسیار می‌دادند.

آن اعلیحضرت اظهار فرمودند که شاید ظل‌السلطان در صدد دعوی سلطنت ایران برآید، لیکن امیداست اختاراتی که توسط نمایندگان دولتین انگلیس و روس به وی شده اورا از این خیال باز داشته و از خیالات او در فراهم آوردن بسایس مانع شود.

(امضا) آ. نیکلسن

نمبره - ۹۵

مکتوب سرنیکلسن به سر ادواردگری (وصول ۲۰ ژانویه)

از سنت پترزبورغ، به تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۸

[۲۵ دی ۱۲۸۶؛ ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۵]

آقا

امروز مسیو ایزولسکی به من اطلاع داد که نظر به احتیاط لازمه مصلحت چنین دانسته شد مختصر قشونی در حوالی حدود ایران مجدداً تقسیم شود و گفت که در تمام خط جلغا فقط ۶۰۰ نفر قزاق مأمور نموده‌اند و من این اقداماتی را که اختیار کرده‌اند بسیار معتدلانه می‌پندارم.

هرگاه در تبریز اغتشاش شدیدی رخ نماید به آن طریق که اتباع روس دچار مخاطره کردند آن وقت این ششصد نفر قزاق برای مساعدت و حراست آنها آماده و مهیا خواهند بود.

دولت ایران بتوسط شارژ دافر خود مقیم اینجا اظهاراتی در این موضوع نموده و گویا در خصوص آنچه واقع شده اخبار اغراق‌آمیز شنیده باشد.

مسیو ایزولسکی به شارژ دافر مزبور اظهار داشت که هرچند تصور نمی‌کردم آنچه را که اولیای دولت روس اجرای آن را در حدود خود شایسته بدانند توضیحی خواسته شود مع‌هذا تفصیل اقداماتی که اتخاذ شده است کما هو حقہ بیان خواهم نمود. و نیز گفت به صاحب‌منصبان فرمانده اکیداً غدغن شده است که تا تعلیمات واضحه از مراکز نظامی به ایشان داده نشود بهیچ وجه نبایستی از سرحد عبور نمایند.

(امضا) آ. نیکلسن

نمره - ۹۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۲۸ ژانویه) راجع به قرضه ۱۹۰۳ - ۱۹۰۴ [۸۲-۱۲۸۱؛ ۲۱ - ۱۳۲۰]

وزیر امور خارجه پیغام فرستاد فرع قرض را (که من تصور می‌کنم معادل است با ۱۳،۶۰۱ لیره و ۶ پنس) به همین زودیها خواهند پرداخت.

نیز قول داده‌اند، ولی بطور مبهم، که جواب شروط ما را درخصوص قسط استهلاك ایصال دارند لیکن چون از این پیش مکرر قول داده بودند لهذا جسارتاً عرض می‌نمایم برای اینکه جناب ایشان در صدد جواب برآیند مجاز باشم کتباً به آنجناب اطلاع بدهم که دولت اعلیحضرتی چنین تصور کرده است شروط ایشان را دولت ایران نظر به این که مدتی گذشته است بطور سکوت پذیرفته.

نمره - ۹۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۰ فوریه)

از طهران، به تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۰۸

[۲۰ بهمن ۱۲۸۶؛ ۷ محرم ۱۳۲۶]

راجع به مستحفظین قنصلخانه شیراز

از قرائن بسیار چنین معلوم می‌شود که اوضاع ناامنی شیراز تا مدتی بطول خواهد انجامید و راپورتهای قنصل دولت فخریه دلالت می‌کند براینکه احتمال دارد اغتشاشات در بهار آتی تجدید بیابد. دولت اعلیحضرتی در خیال آن است سوارهایی را که بنا بود در نوامبر گذشته از عده‌شان کاسته شود اکنون تا مدت غیرمعینی یا اقلاً تا وقتی که اوضاع روی به آرامی نهد اجازه توقف دهد.

من جسارت نموده از راه صلاح‌اندیشی تأکید می‌نمایم براین که ترتیباتی فراهم سازند که همیشه باقی و دوام داشته باشد.

نمره - ۹۸

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۱۷ فوریه)

از طهران، به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۰۸

[۸ بهمن ۱۲۸۶؛ ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۵]

آقا

هرچند در اوائل ماه شهر (طهران) به حالت آرامی بود ولی باز چنین به نظر می‌رسد که بحران دیگر به ظهور خواهد رسید. شاه بعد از چند روز به مدارا گنوا نیدن باز حمله خود را به مجلس تجدید نمود. پناهندگان مسجد مروی بواسطه مساعدتی که وی

به معاضدت دونفر مجتهد بزرگ دربارهٔ ایشان نمود توانستند فرار نمایند. دستجات مختصره به امداد مستحفظین طهران پی در پی ورود می نمودند. طایفهٔ پارسیان بواسطهٔ قتل يك نفر از معاریف آنها که مشروطه طلبان را به دادن پول و اسلحه مساعدت نموده بسود در بیم و هراسند. سارقین در هنگام شب به خانهٔ مشیرالدوله حمله آوردند و عامه را عقیده این است که درباریان برای قتل آن وزیر که معروف است شاه کمال نفرت را از وی دارد محرك مرتکبین شناخته می شوند.

روز ۱۰ این ماه با نظام السلطنه رئیس الوزراء ملاقات نموده مذاکرات طولانی بمیان آمد و پس از توضیح دادن به آنجناب که اتحاد اخیر دولتین روس و انگلیس هیچگونه ضرری برای دولت ایران نخواهد داشت بلکه آن را از صدمات و فشار رقابت دولتین مستخلص [خواهد] نمود، آنگاه از اوضاع جاریه به مذاکره پرداختم و از آنجناب سؤال نمودم که آیا می توانند طریقه‌ای به من ارائه کنند تا بدان واسطه بتوانم بی اعتمادی ملت را از شاه مرتفع سازم.

نظام السلطنه جواب داد که یگانه وسیله منحصر است بر اینکه مصالح و خیریت شاه را معروض داشته و اجرای آن را جداً از آن اعلیحضرت بخواهید. گفتم باید دید چه می توان کرد. و بعد در خصوص قتل فریدون مذاکره نمودم. رئیس الوزراء وعده دادند آنچه بتوانند در مجازات قاتلین اقدام خواهند نمود.

وزیر مختار روس را روز دیگر نتوانستم ملاقات نمایم ولی شرحی در جواب مشروح‌های که به ایشان فرستاده و قرار ملاقات را به روز یکشنبه داده بودم در اواخر روز به من مرقوم داشته تا مرا مطلع سازند از اینکه جناب مشارالیه صبح فردا به قصد اینکه شاه را ترغیب به اتخاذ روابط حسنه با مجلس نماید شرفیاب حضور آن اعلیحضرت خواهد گردید. من ایشان را از مذاکرات خودم با نظام السلطنه مطلع ساخته و اظهار داشتم که قبل از اقدام به آنچه رئیس الوزراء اشاره نموده مایلم در آن باب مشورتی نمایم و نیز گفتم چون شما تقریباً از این پیش اقدامی نموده‌اید بهتر آن است من نیز آن را به اظهارات مؤکدانه تقویتی بنمایم و مقصودم متذکر ساختن آن اعلیحضرت است [به] این که قوهٔ هیجان مشروطه طلبان بقدری شدید است که نمی توانند از عهدهٔ مقاومت آن برآیند و هرگاه پافشاری فرمایند به سخت ترین مخاطره دوچار خواهند شد و اگر از روی واقعیت مایل باشند که مانند پادشاه مشروطه طلبی رفتار کنند بایستی اداره کردن امور مملکت را به عهدهٔ وزرای مسئول خویش محول گردانند. باری، مسیو دوهارت ویک با آنچه من بیان کردم اظهار موافقت نامه نمود. بعد از ظهر همان روز به ملاقات مشیرالدوله رفتم که ترتیبات شرفیاب شدن بحضور شاه را بطور خلوت فراهم نمایم. روز دیگر مشروح‌های از وی رسید مشعر بر اینکه صبح روز سوم، یعنی ۱۴ ژانویه [۲۳ دی، ۹ ذیحجه] اعلیحضرت در ساعت ۱۱ مرا به حضور خویش خواهند پذیرفت. در این منوال از محل دیگر به شاه اعلان بسیار سختی گردید از اینقرار که روز گذشته رئیس طایفهٔ قاجاریه که تاکنون در مسائل پلتیکی ایران مداخلتی ننموده و مطلقاً بیطرفی معروف و در نزد عامه موقع محترمی را حائز است حضور شاه در معیت شعاع السلطنه برادر آن اعلیحضرت شرفیاب شده بود. بنابر تفصیل و شرح این ملاقات که من بدست آورده

و گمان می‌کنم صحیح باشد عضدالملک که در ریاست طایفه قاجاریه اصالتاً اختیار حکم فرمایی را دارد با نهایت آزادی گفتگو نموده و معروض داشت که وی شاه را مسئول اوضاع اسف‌آمیز مملکت می‌داند - چنانچه سایر ایرانیان دانسته‌اند - و نظر به اینکه رئیس طایفه منتسبین به سلطنت است محض آن شرفیاب حضور گردیده که به آن اعلیحضرت اطلاع بدهد اگر روش خود را اصلاح نفرمایند هر آینه طایفه قاجاریه خویشان به عزل وی حکم داده و به جای او ولیعهد را به پادشاهی اختیار و سلطنتش را اعلام خواهند نمود. شاه در جواب وعده فرمودند که هیئتی را از مجلس به حضور طلبیده ایشان را از صدق نیت خویش دلگرم و مطمئن خواهند گردانید و اعلیحضرت به هیئتی که از طرف مجلس شرفیاب حضور شدند قول صریح در رعایت و منظور داشتن قسمتهایی که به موافقت مشروطیت یاد کرده بودند داده و هیئت مزبور با کمال خشنودی و رضایت مراجعت نمودند و ضمناً شاه در عوض از آن هیئت قول گرفتند که در افزودن بودجه مخارج سلطنتی یک ملاحظه بشود.

روز بعد که شرفیاب حضور شاه گردیدم به آن اعلیحضرت عرض نمودم که پس از اطمینان بخشیدن به وزیر مختار روس و به من البته یقین خواهم نمود که نیاتشان از طریق صمیمیت خواهد بود، و هم معروض داشتم که گمان می‌کنم در اطراف آن اعلیحضرت اشخاصی گرد آمده‌اند که همی در مخالفت مشروطیت و تجدد به تصور اینکه شاه نیز مایل است ساعی می‌باشند، تاریخ می‌نماید هرگز امکان نداشته که سیل اراده یک ملتی را بتوان جلوگیری وسد نمود، و ایستادگی در مقابل آن موجب خسران و بدبختی بوده است. مردم همگی بی‌اعتماد و حتی کینه‌ور شده‌اند و اگر آن اعلیحضرت به رفع سوءظن آنان موفق نگردد مقامش به خطر عظیم دچار خواهد گردید. بهتر وسیله موفقیت همانا مبرا و آزاد ساختن خویش است از اشتها رهنمایی یافتن بواسطه آنگونه اشخاصی که اشارت یافت و نیز احتراز نمودن از مداخلات مستقیمه در کار دولت در صورتیکه اداره امور حکومت را واگذار به وزرای مسئول فرمایند. شاه در جواب فرمودند که هرگز تراعی با حکومت مشروطه ندارم مگر فقط با مجلس کنونی که اتصالاً مرتکب اعمال غیر قانونی می‌شود. برخی اشخاص در آن حضور دارند که بکلی اثرات سوء می‌بخشند و اگر مجلس از ایشان رهایی بیابد آنوقت اعتماد اعاده و استقرار خواهد یافت. اینکه می‌گویند من باوزراء در مقام ضدیت می‌باشم بکلی کذب محض است؛ و از کابینه حاضر به هیچوجه راضی نیستم و از اعضای آن فقط به یکنفر نظام‌السلطنه اطمینان و اعتماد دارم ولی ایداً مانع کار آنها نبوده‌ام. در جواب عرض کردم اگر در پارلمنت و کلای ناشایسته وجود داشته باشد این عیب را بایستی خود آن علاج نماید ولی اگر بخواهند آنها را به جبر و قهر خارج سازند خطر شدیدی را تعقیب کرده‌اند، و چون چیزی از آن اعلیحضرت پوشیده نتوانم داشت لهذا عقیده من و سایر نمایندگان دول بر این است که موقع را خالی از احتیاط نباید پنداشت.

هرگاه بواسطه نمایش اقداماتی ملت را مطمئن سازند که بطور صمیمیت با آنها در کار موافقت خواهند فرمود همگی بفوریت اوامر شاهانه را استقبال خواهند کرد. ولی اگر به رفتار حالیه خویش اصرار و پافشاری نمایند البته نتایج آن جز اضمحلال خود نخواهد

بود.

نمی‌توانم بگویم که سخنان من تأثیر بسیار در شاه بخشید، چه از وضع و حالت ایشان نتوانستم این مطلب را کشف نمایم. از آن به بعد اطلاع یافتیم که نصیحت و اخطار عضدالملک و نیز وزیر مختار روس موجب آن گردید که سفارت دولت فخریه از اقدام بکنه‌های احترام کرده باشد.

بهر حال شاه به گرفتاری صنیع حضرت و مقتدر نظام، سرکردگان حامیان بیباک وی، که در بحران ماه دسامبر گردآمده بودند و همچنین به مقید ساختن نوکرهای مجلل السلطان که می‌گویند در قتل فریدون صراف پارسی شرکت داشته‌اند اجازت داد ولی هنوز آشکارا از مجلل السلطان که اولین محرک فتنه شناخته شده و باعث گردیده بود ظفر السلطنه را که در گرفتاری مرتکبین اهتمام داشت مورد تغیر وی واقع شود حمایت می‌کند.

از آن بی‌عدحواس مردم مخصوصاً به محاکمه و استنطاق صنیع حضرت و مقتدر نظام و به تحقیق قتل فریدون زردشتی که در وزارت عدلیه تشکیل یافت متوجه گردید. و مذکور است که از قرائن بوضوح پیوسته تدابیری برای بقتل آوردن هشت یاده نفر از وکلای معروف مانند تقی‌زاده، مستشارالدوله، احتشام السلطنه و آقا سید محمد (طباطبائی) نموده شد که مجلل السلطان دخیل و عامل عمده آن است.

وزراء با یکدیگر اتحاد ندارند و نظام السلطنه طرف بی‌اعتمادی آنها واقع شده و بعلاوه مدلل شده است که شاه را اجازه داده بود از خزانه پول دریافت نماید و نیز مردم از وی سوء ظن حاصل کرده‌اند.

هم‌دراین اوقات مابین خود مجلس نفاق رخ داد، و روز ۲۶ ماه جاری [۵ بهمن ۱۲۸۶؛ ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۵] گفتگوی شدید بمیان آمد که بیش از یک ساعت بطول انجامید. و کلاً یکدیگر را متهم ساختند به اینکه اموال را صرف مقاصد شخصی نموده همی در جلب منافع خود می‌پردازند.

ثابت شد که کمیسیون مالیه مجلس در دادن يك يادو مستمری بدون هیچ عذر موجهی غمض عین نموده است. و نیز رئیس مجلس مورد سوء ظن واقع گردید و متهم شد به این که با طرفداران شاه توأم گردیده که نقشه برای خارج ساختن تقی‌زاده از مجلس طرح و حامیان را متفرق نمایند و احتشام السلطنه (رئیس مجلس) با آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ به منازعه برخاسته او را به گرفتن رشوه متهم ساخت. در حقیقت مجلس به سه پارتی منقسم شده است یکی پارتی رئیس که از همه بیشتر و به عده شصت و پنج نفر می‌باشد، دوم پارتی آسید عبدالله مجتهد که تقریباً کمتر است، و سوم پارتی تقی‌زاده که ۲۵ نفرند. بهر حال اوضاع مجلس بی‌نهایت مغشوش و درهم است و ممکن نیست گفته شود که در چه وقت از این وضع مستخلص خواهد شد. ولی بنظر چنین می‌آید که استعفای رئیس ناچار صورت وقوع خواهد یافت.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۹۹

مکتوب مستر مارلینگک به سر ادواردگری (وصول ۱۷ فوریه)

از طهران، به تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۸
[۹ بهمن ۱۲۸۶ : ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار خلاصه معمولی حوادث ماه گذشته ایران را با خلاصه مذاکرات مجلس
لغاً ارسال می‌دارم.

خوشبختانه اوضاع شیراز آرام‌تر گردیده ولی هفته گذشته در تبریز و یزد منتهای
بی‌نظمی موجود بود. می‌ترسم که دولت ایران بکلی از عهده حفظ نظم برنیامده و عاجز
باشد و در جواب اظهاراتی که مجبوراً راجع به اوضاع یزد و حادثه چاربار و لزوم
حفظ و حراست از تلگراف‌خانه ما در کاشان مکرر نموده‌ام به هیچ چیز موفق نتوانسته‌ام
بشوم مگر فقط به اطمینانهایی که گفته می‌شد «اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد» -
راجع به یزد (اقدامات لازمه) چنین مشهود آمد که به ذریعه تلگراف از مجتهد عمده آن
شهر خواهش نمودند که نفوذ خود را در تسکین و رفع انقلاب بکار برد.

واقعه قابل ملاحظه که در مجلس بوقوع پیوست همانا تغییر احساسات اعضای آن
است نسبت به رئیس مجلس که فقط یک‌ماه قبل طرف اعتماد و توجه عامه مردم بود و
اکنون بدون هیچ دلیل مبرهن و جهت ظاهری مورد سوءظن خیلی شدیدی واقع شده‌است.
(امضا) چارلس.م. مارلینگک

ملفوف نمره ۹۹

قسمتی از خلاصه حوادث و وقایعی که در ظرف یک ماه (یعنی از ابتدا) تا سی‌ام
ژانویه ۱۹۰۸ [۱۰ دی تا ۹ بهمن ۱۲۸۶ : ۲۶ ذیقعد تا ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵] بوقوع پیوسته

طهران

مجلس ملی : مذاکرات مجلس ملی در ظرف چهار هفته گذشته تا آن قدری که در
جلسات علنی گفتگو گردید خیلی بی‌نظم‌تر از همیشه و بدون هیچ اراده و مقصودی
بود. و کلاهی عمده کمال افسردگی و دلتنگی را یافته اتفاقات در روز قبل مشهود می‌ساخت
که نفاق داخلی به منتها درجه شدت دارد.

مراسلات متحدالمفادی که راجع به اطمینان شاه در موافقت مشروطیت مورخه سی‌ام
دسامبر به رئیس مجلس فرستاده شده بود روز چهاردهم ژانویه [۲۳ دی : ۹ ذیحجه]
قرائت گردید.

هفتم ژانویه [۱۶ دی : ۲ ذیحجه] شارژ دافر آلمان مکتوبی نظیر آن به رئیس نوشته
و سفیر کبیر عثمانی مرسله‌ای به همان مضمون نیز ارسال داشت و قرائت گردید.

روز بیست و سوم [۲ بهمن ؛ ۱۸ ذیحجه] هیئتی از اعضای مجلس شرفیاب حضور شاه گردیده و آن اعلیحضرت اطمینان و تعهداتی که سابق فرموده بودند مکرر داشتند.

یوم ۲۶ ژانویه [۵ بهمن ؛ ۲۱ ذیحجه] رئیس مجلس اظهار داشت که دولت آلمان اراده نموده است مدرسهٔ حالیهٔ آلمانی را (که در طهران است) توسعه داده و به جای ۱۲۰ نفر محصلینی که از این پیش تاکنون مشغول تحصیل می‌باشند ۷۰۰ نفر پذیرد و خواهش نمود اعانه‌ای که دولت ایران لازم است برای این مقصود همراهی نماید در مجلس تصویب شود. وی را متذکر ساختند به اینکه این مطلب بایستی از مجرای رسمی مخصوصه یعنی وزارت امور خارجه و نیز وزارت علوم پیشنهاد گردد.

در ۲۸ ژانویه [۷ بهمن ، ۲۳ ذیحجه] رئیس مجلس علناً آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ را خائن و در حقیقت مرتجع نامید - و بیباکانه فساد اعمال مجتهد مزبور و حتی برخی از اعضای مجلس را بیان نموده و نیز گفت اگر چه در خیال ترک ریاست مجلس و رفتن به لندن با سمت وزیر مختاری بودم ولی چون آقا سید عبدالله سعی دارم مرا مجبور به استعفا نماید لهذا اکنون مصمم شده‌ام که در مقام ریاست خود باقی بمانم. مردم این اعلان منازعهٔ آشکارای رئیس را علامت خیانت وی به مشروطیت تعبیر نمودند. و با اینکه مدتی بود نسبت بی‌تدینی به آقا سید عبدالله می‌دادند ولی اکنون مردم را عقیده این است که موقع مقتضی نیست با مجتهد بزرگی که با همکار خود یعنی آقا سید محمد مجتهد از ابتدا با کمال صمیمیت در هیجانهای مشروطیت موافقت داشته بطور نفاق رفتار شود. لهذا چنین تصور می‌کنند که رئیس مجلس بنابر منافع شاه رفتار می‌کند.

در نهم ژانویه [۱۸ دی ؛ ۴ ذیحجه] بعضی از اشرار را که در اواسط نصاب بر موجب انقلاب و فتنه گردیده بودند در میدان توپخانه تازیانه زدند و در ۱۳ ژانویه [۲۲ دی ؛ ۸ ذیحجه] صنیع حضرت سرکردهٔ اشرار بتوسط پلیس دستگیر و محبوس گردید.

۱۲ ژانویه [۲۱ دی ؛ ۷ ذیحجه] وزیر مختار روس حضور شاه شرفیاب شد و آن اعلیحضرت را نصیحت نمود که از هر گونه سعی در تخریب اساس مشروطیت که بدان واسطه به مخاطرهٔ شدید گرفتار خواهند شد جداً احتراز فرمایند. و در ۱۴ همان ماه شارژ دافر دولت فخیمه جداگانه شرفیاب گردیده مطالبی قریب به همان مضامین به شاه معروض داشت. اعلیحضرت جواب فرمودند چنانچه سابقاً مکرر گفته‌ام بهیچوجه درصدد برانداختن مشروطیت نبوده و خود را در ایران یگانه مشروطه طلب حقیقی می‌دانم در صورتیکه اعضای مجلس ملی و انجمنها عموماً انقلاب طلب و شورش انگیزند.

مستر مارلینگ خیلی اهمیت می‌داد به اینکه جدیت در جلوگیری تموج احساسات عامه و پافشاری در اعادهٔ اساس حکومت استبداد سابق اعلیحضرت را دوچار مخاطرهٔ شدید خواهد نمود. روز گذشته عضدالملک و شعاع‌السلطنه همان مطالب را حضور شاه معروض داشتند و اعلیحضرت هیئتی از اعضای مجلس را به سمت نمایندگی به حضور طلبید و مجدداً در ترد ایشان به قرآن قسم یاد نمود که قانون اساسی را رعایت و حفظ نماید. شاه برادر خود سالارالدوله را که تابستان گذشته به مخالفت قیام نموده و بدان واسطه

در یکی از باغهای سلطنتی خارج طهران محبوس بود بخشید.
(امضا) جی . پی . چرچیل
منشی شرقی

تبریز

در ۱۷ ژانویه [۲۶ دی ؛ ۱۲ ذیحجه] میانۀ انقلابیون و بعضی از اشرار جنگ در پیوست و تا دو روز بطول انجامید . بیست نفر مقتول و مجروح گردید . پس از مدتی جنگ دوباره شروع شد و تا اواخر ماه امتداد یافت تا وقتی که سوار و پیاده برای حفظ نظم در شهر گماشتند . این اقدام موجب سکوت و آرامی شد . اغتشاشات فوق‌الذکر را مربوط به تدبیر شاه می‌دانند که در وقت حملۀ پلتیکی وی در طهران فتنۀ تبریز هم بروز نمود .

رشت

هیجانی که بواسطۀ اغتشاشات طهران بروز نموده بود مرتفع گردید و اکنون ایالت گیلان ظاهراً ساکت و آرام است .

تربت حیدری

دزدها بپریاست تیمورخان گماشته حاکم طبس راه تا یزد را بکلی مسدود ساخته‌اند ، و در ماه دسامبر [آذر - دی ؛ ذیقعد - ذیحجه] قافله‌ای که حمل مال‌التجاره برای عامل زیگلر می‌نمود بسرقت رفت .

اصفهان

مخالفت و ضدیت جدی آقایان در خصوص تجارت با خارجه ظاهراً موقوف گردید و دیگر تجار بومی مورد تهدید واقع نشده‌اند . تجار انگلیس مجدداً توانستند بدون ترس از مزاحمت مال‌التجاره به اطراف روانه دارند .

آقا نجفی از بیم آنکه شاید مجلس محض اظهار ممنونیت اجازه به ظل‌السلطان بدهد که به اصفهان معاودت کند لهذا مکتوبی باتفاق سایر مالاها به وی ارسال داشته اظهار میل به مراجعتش نمودند ولی آقا نورالله مخالف این منظور بود .

بحران اخیر طهران باعث بروز هیجان در اصفهان گردیده بازارها بسته شد و داوطلبان شروع به مشق نظامی نموده چنانچه هنوز در این کار مداومت دارند .

کاشان

روز ۲۸ ژانویه [۷ بهمن ؛ ۲۳ ذیحجه] جمعیت مسلح کثیری از حامیان محمد آقا با تهدیدات سخت تلگرافچی مأمور تلگراف‌خانه انگلیس را مجبور نمودند که سیم را به آنها واگذار کند چه ایشان می‌خواستند با طهران مخابره نمایند . بالاخره تلگرافچی مزبور اختیار یافت که ایشان را اجازه دهد که هر روزی دو ساعت با آن به مخابره

پردازند. اظهاراتی در اینخصوص به دولت ایران نموده شد.

یزد

تاجری که برادر خود را چند ماه قبل بقتل رسانیده بود روز بیست و پنجم ژانویه [۴ بهمن؛ ۲۰ ذیحجه] حکومت او را از محلی که پناهنده شده بود بیرون آورده مقتول ساخت و این عمل را داروغه شهر که در قلعه حکومتی تحصن داشت مجری نمود. جمعیت مسلحی که به قتل داروغه و عزل حاکم پافشاری داشتند شهر را به خوف و هراس افکندند و بمحض اینکه داروغه را تسلیم ایشان داشتند فوراً هدف گلوله ساخته هلاکش نمودند. پس از آن به حاکم اطلاع دادند که هرگاه تعهد نماید از این به بعد برضد آنان حرکت و اقدامی نخواهد کرد می تواند باقی و برقرار باشد. لیکن وی استعفا داده و از شهر خارج گردید و می گفت اگر فقط دوست نفر سوار برای انتظام آنجا فرستاده نشود مراجعت نخواهد نمود. شهر در قبضه اختیار دوفنر که بشخصه خود را رئیس مستحفظین قرار داده بودند درآمد.

کرمان

اخبار اغتشاش طهران در ماه دسامبر [آذر - دی؛ ذیقعدة - ذیحجه] باعث شد که بازارها تا دو روز بسته گردید و همینکه مجلس شورای ملی تلگراف نمود که مردم بایستی خود را آماده و مهیا دارند فوراً ناظم و حاجی نایب که در واقع دوفنر دیکتاتور هستند قورخانه دولتی را بتصرف درآورده و عموماً مشغول تدارکات نظامی شدند.

همدان

تجار عثمانی که با بغداد تجارت دارند بواسطه ناامنی راه با عباس خان افشار قرار دادند مبلغی پول به وی داده که مال التجاره آنها را سلامت عبور دهد. پنج نفر پسرانش با جمعی از سواران مسلح در راهها و دهات به دزدی مشغولند - و تیر سایر دستجات دزدها به هر طرف رو آوردند.

شیراز

اوضاع بخوبی در حالت آرامی است و بنابه راپورتی که فرستاده شد مابین فریقین متخاصمین صلح و آشتی برقرار گردید و از آنوقت دیگر اغتشاش بظهور نیبوست. هیچگونه سرقت تازه ای در راه بوشهر اتفاق نیفتاد مگر ۲۴ ژانویه [۳ بهمن؛ ۱۹ ذیحجه] که پست را در حوالی دالکی بسرقت بردند و نیز مستر گراهم راپورت می دهد که از آن راه بکلی تجارت مقطوع شده است، و در ۲۶ ژانویه [۵ بهمن؛ ۲۱ ذیحجه] راپورتی واصل گردید مبنی بر اینکه نزدیک برازجان اغتشاش سخت روی داده و راه اصفهان بی نهایت ناامن است و خود مستحفظین راه در نزدیکی ده بید و خان کرکن به سرقت قوافل اشتغال دارند و از جمله کاروانی که مال التجاره یکی از کمپانیهای انگلیس را حمل می نمود

گرفتار سرقت ایشان گردید و نیز مال التجاره يك نفر دیگر از کمپانیهای انگلیس نزدیک دخمه «کیخسرو» دزدیده شد.

خلیج فارس

بوشهر

اخبار اغتشاش طهران هیجان سختی در بوشهر تولید نمود. تلگرافاتی از مجلس ملی و پارتیهای عمده طهران و نیز از رشت مبنی بر استمداد از اهالی برای حمایت مجلس ملی متخابره شد در جواب آنها اظهار مساعدت نمودند.

بندرعباس

شهر و اطراف آن بی نهایت مغشوش و به کشتی اعلیحضرتی موسوم به «لایپنگ» امر شد بطرف بندرعباس روانه گردد و تا دوهفته اول دسامبر در آنجا توقف نماید. بواسطه اقدامات مجدانه فرمانفرمای بنادر خلیج فارس که کمال تشکر را از او داریم اوضاع بهبودی حاصل نمود ولی حمل مال التجاره هنوز به حالت تعویق باقی است.

چاهبهار

در بیست و پنجم ژانویه [۴ بهمن؛ ۲۰ ذیحجه] مأمور مقیم خلیج فارس تلگراف نمود که از چاهبهار بهوی راپورت داده شد نمایندهای از طرف سردار سعید خان «کپی» با پنجاه نفر سوار مسلح اداره گمرک را بتصرف درآورده و از تجار انگلیسی وجهی را که بایستی به گمرک بپردازند به زور و تهدید مطالبه نمودند که به ایشان پرداخته شود. نماینده مذکور مدعی بود که دولت ایران مرا بدین خدمت مأمور ساخته. وقتی که مأمور مقیم دانست این مسئله صدق نیست به تجار دستور داد که در صورت اجبار و تهدید وجه مزبور را تسلیم داشته و پس از آن پروتست نمایند. ضمناً از نماینده سردار سعید خواهش نمود که این مطلب را تا ۴۸ ساعت دیگر مهلت دهد و نیز او را مسبوق ساخت که اگر راضی نشود به دولت انگلیس شکایت خواهد نمود. هم در این حال به کشتی اعلیحضرت موسوم به «پرسیوس» حکم شد بطرف چاهبهار حرکت کند ولی همینکه بدانجا وارد گردید مطلع شد که بلوچها عایدات گمرکات را جبراً دریافت داشته و کوچ نموده اند. در همان وقت رئیس گواتر نیز به همین قسم اعمال ارتکاب نمود.

(امضا) سی. پی. ماژور استیکس

نمره - ۱۰۰

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، مورخه ۱۷ فوریه ۱۹۰۸

[۲۷ بهمن ۱۲۸۶؛ ۱۴ محرم ۱۳۲۶]

در خصوص منفعت قرض : راجع به تلگراف شما مورخه ۲۸ ماه گذشته .

اگر باز تأخیری در ادای منفعت بظهور رسد و در چهارم آوریل پرداخته نشود ربح یکساله را از قرار صدپنج بر مبلغی که ذکر می‌نمایید (وصحیح است) باید افزود.

مراسله‌ای که راجع به قسط استهلاك پیشنهاد نموده‌اید به وزیر امور خارجه ارسال دارید، تصویب می‌نمایم.

نمره - ۱۰۱

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۶ فوریه)

از طهران، به تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۰۸

[۲۴ بهمن ۱۲۸۶؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۶]

آقا

برای وصول منفعت قرضه ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ که بتعویق انجامیده موافق تعلیماتی که در تلگراف مورخه ۱۹ دسامبر [۲۶ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۵] فرموده بودید آنچه توانستم کوشش کردم و چون در ۲۷ ژانویه [۶ بهمن ۱۲۸۶؛ ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۵] مشیرالدوله اطلاع دادند که بدون تأخیر اداء خواهد شد امیدوار گردیدم که نتایج مطلوبه حاصل آمده است. روز بعد مسیو مرنارد رئیس گمرکات اطلاع داد که در این خصوص حواله به وی نشده و قرینه‌ای بدست نیاورده است تا بدان واسطه بتواند پیش‌بینی کند که در این موقع یحتمل به او حواله خواهند نمود. با این حالات چون لازم است فشار سخت‌تری داده شود بدین لحاظ جسارت ورزیده در تلگراف خود مورخه ۲۸ ژانویه معروض داشتم که اجازه فرمایند به دولت ایران اطلاع بدهم نظر به اینکه مدتی است جواب شروط دولت فخمیه را راجع به قبول تعویق اقساط استهلاك نداده‌اند لهذا سکوت ایشان موجب رضا تصور شده است.

شکی نیست در اینکه اگر اختیار دولت ایران در استقراض از خارجه اکنون محدود شود هر آینه از هر گونه فشار برای مطالبه بیشتر متأثر خواهد گردید و لهذا امیدوارم که مکتوبی مبنی بر مفاد فوق به دولت ایران ارسال گردد تا بدان واسطه قراری در این مسئله بدهند. چنین بنظر می‌آید که این تأخیرهای خاتمه‌ناپذیر نتیجه ارجاع عموم مطالب است به کمیسیونهای مجلس که بدان واسطه نیز جواب یادداشت من داده نشده و لازم دانسته‌اند که قبول شروط ما را به سکوت بگذرانند.

روز ۲۶ ماه جاری [۵ بهمن ۱۲۸۶؛ ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۵] وزیر امور خارجه به من اطلاع داد که وجه پرداخته خواهد شد ولی چون از بانک سؤال گردید معلوم شد جناب ایشان

اشتباه نموده‌اند.

[با] عزل مسیو مرنارد از مقام ریاست گمرکات ، مراقبت عایدات آن اداره را به قائم مقام وزیر تجارت که به فساد و دزدی معروف است واگذار کردند و یحتمل وجوهاتی که برای تادیبه قرض به دولت اعلیحضرتی معین شده بکلی بمصرف اتلاف رساند. بنابراین روز ۸ [۱۷ دی ۱۲۸۶ ؛ ۳ ذیحجه ۱۳۲۵] که بامشیرالدوله درموضوع عزل مسیو مرنارد گفتگو می نمودم به آن جناب اصرار کردم که به قائم مقام اطلاع بدهند این وجوهات را بنیاستی مصرف نمایند. آن جناب درخواست مرا پذیرفتند و نیز گفتند حواله پرداخت ربح قرضه مدتی است صادر گردیده و روز دیگر مسیو مرنارد اطلاع داد که حواله حاضر شده ولی محتاج امضای وزیر می باشد و عقیده وی این بود که پس از بیست و چهار ساعت دیگر پرداخته خواهد شد و نیز مسیو رابینو (رئیس بانک شاهنشاهی) که در این وقت به ملاقات من آمده بود گمان می کرد این مسئله فیصله یافته است. مع هذا در اواخر روز یازدهم مستر رابینو اطلاع داد که بهیچوجه حواله به او نشد و من از طرف شما اجازه نداشتیم که مراسله ای بر طبق مفاد فوق که تلگرافاً [=تلگرافی] معروض داشته‌ام به دولت ایران ارسال دارم لذا یادداشتی به مشیرالدوله وزیر امور خارجه که سواد آن را لفاً تقدیم می کردم نوشته و من خود شخصاً به ایشان دادم. در همان وقت آن جناب مجدداً اظهار داشتند که حواله ایصال این وجه داده شده و چون من گفتم این مسئله صورت وقوع نیافته خیلی اسباب تعجب و حیرت ایشان گردید . ولی چون به من اطمینان دادند ممکن است حواله آن حاضر و مهیا شده ولی محتاج به امضای وزیر مالیه باشد، و نیز یحتمل بواسطه اضطراب و توحش نظام السلطنه از نظر خطرناک بودن مرض یگانه فرزند خویش و همچنین تعطیل کارها به ملاحظه مراسم مذهبی ایام عاشورا مانع از انجام آن بوده ولی از طرف دیگر احتمال دارد سبب عمده اش دسبیس برضد مسیو مرنارد بوده باشد.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوف نمره ۱۰۱

یادداشت مستر مارلینگ به مشیرالدوله

(بدون تاریخ)

خدمت جناب اجل عالی

با کمال افتخار خاطر آنجناب را متذکر می سازم که با وجود اطمینان و قولهایی که مکرر به من اظهار فرموده‌اید تاکنون نه منفعت قرضه ۴ - ۱۹۰۳ دولت انگلیس را که موعد آن چهارم آوریل بوده پرداخته‌اند و نه جواب شروط مندرجه در یادداشت مورخه ۱۳ دسامبر ۱۹۰۷ [۲۰ آذر ۱۲۸۶ ؛ ۷ ذیقعد ۱۳۲۵] سیراسپرینگ رایس که دولت فخیمه انگلیس در قبول خواهش دولت ایران راجع به تعویق سه ساله اقساط استهلاک این قرضه قرار داده است رسیده . در این صورت من دیگر مطالبه‌ای نخواهم نمود و آنجناب را بر حسب دستور و تعلیمات دولت متبوعه خودم اطلاع می دهم که اگر ربح مذکور را بفوریت نپردازند و قبول شروطی که در فوق اشارت یافت رسماً به سفارت گفته نشود دولت اعلیحضرتی به جای ربح مطالبه تمام مبلغ قسط سالیانه را خواهد نمود که فوراً

ایصال دارند.

(امضا) چارلس.م. مارلینگ

نمره - ۱۰۴

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

[۷ اسفند ۱۲۸۶؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف شامورخه ۱۰ ماه جاری در حقوق مستحفظین مأمور شیراز. تا در اوضاع شیراز بهبودی حاصل نگردد باید مستحفظین یا عده زیادتری تا مدت شش ماه در آنجا باقی بماند.

نمره - ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (وصول ۱۶ مارس)

از طهران، به تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

[۷ اسفند ۱۲۸۶؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۶]

آقا یکی از محترمین پارسیها که برادرش پرویز نام سال گذشته در شیراز مقتول گردید در این تازگی نزد من آمده اظهار داشت که زردشتیان در هر جای ایران که هستند کمال توحش را دارند. مشارالیه بقتل رسیدن فریدون را در طهران، و فرستاده شدن مکتوبات تهدیدآمیز را به یکی از زردشتیان عمده شیراز، دلیل عدم امنیت جان ایشان اقامه می نمود و سؤال کرد آیا سفارت دولت فخریه انگلیس با این که دقت در آسایش و راحت این جماعت دارد اقدامی به ظهور نخواهد رسانید؟

پس از این مختصر مذاکره قبول کردم که مکتوبی در این موضوع به وزیر امور خارجه ارسال داشته شفاهاً از ایشان خواهش نمایم که مطالب آنرا به مجلس انقاد دارند.

چند روز بود که مشیرالدوله را ملاقات نمودم. جناب ایشان به من اطلاع دادند که این اقدام را انجام داده و نیز یادداشت من را که سواد آن لفاً ارسال می شود حضور شاه تقدیم کرده اند زیرا عرضه داشتن به آن مقام را بیشتر منتج نتیجه می دانست تا به مجلس. در همانوقت مستر گراهم راپورت داد که اعیان و اولیای امور شیراز سعی دارند با پارسیان به دوستی و مراقت رفتار نمایند و او نیز تاجری را که کاغذجات تهدیدآمیز به وی ارسال شده بود و به قنسولخانه ملتجی گردید پناهش داد.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوف نمره ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ به مشیرالدوله

طهران ، ۵ فوریه ۱۹۰۸

[۱۵ بهمن ۱۲۸۶ ؛ یکم محرم ۱۳۲۶]

خدمت حضرت اجل عالی...

چندی گذشته در خصوص وضع زردشتیان کلیه ایران خصوصاً شیراز و یزد مطالبی بسیار ناگوار شنیده‌ام و جنابعالی اطلاع دارید که بتازگی يك نفر از اشخاص عمده آنها را در طهران بقتل آورده‌اند.

دولت فحیمه انگلیس در صورتیکه لازم به تذکار آنجناب نمی‌دانم چون پیوسته در آسایش و راحت زردشتیان همی دقت دارد نمی‌تواند این اوضاع را بدون تأثر بنگرد. لهذا از جناب شما متمنی هستم که موجبات آسایش و امنیت این مردمان سلیم بی‌آزار را به هر گونه اقدامی که لازم باشد بالاخص فراهیم سازند.

آنچه متوالیاً راپورت می‌رسد مبنی است بر اینکه اگر اقدامات جدی برای امنیت ایشان به‌آنطوری که اطمینان حاصل نمایند بعمل نیاید همگی از این مملکت مهاجرت خواهند نمود. دولت شاهنشاهی ایران باید دانسته باشد که مهاجرت يك چنین جماعتی مانند پارسیان که همی در تجارت ساعی هستند چه ضرر کلی به ایران وارد خواهد آورد. یقین دارم آن دولت به هر نحو که ممکن باشد اقدام خواهد نمود که ایشان را دوباره مطمئن سازد به‌اینکه اولیای دولت شاهنشاهی مایل و قادرند آنان را از حملات و آزار جهان یا متعصبین محفوظ بدارند. برای حصول این معنی گمان می‌کنم هیچ اقدامی مؤثرتر از مجازات اشخاصی که در قتل فریدون اهتمام نموده‌اند تباشند و به دلایل و جهاتی اعتقاد من آنست که دولت شاهنشاهی آنها را بخوبی می‌شناسد.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۱۰۴

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۶ مارس)

از طهران ، به تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

[۷ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۶]

آقا

بنابر تلگراف مورخه ۱۷ ماه جاری که مخابره می‌فرمودید یادداشتی را که به دولت ایران فرستاده‌ام سوادش را با کمال افتخار لفاً ارسال می‌دارم.

به دولت ایران چنانچه در تلگراف ۲۸ ژانویه اشارت یافت اطلاع دادم که دولت فحیمه انگلیس نظر به‌اینکه دولت ایران مدتی است شروط راجع به قبول تأخیر ادای قسط استهلاک قرضه ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ را به سکوت گذرانیده لهذا چنین می‌پندارد که پذیرفته شده است .

به عقیده من این اقدام موجب استحکام وضع و مقام خواهد بود.
(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوف نمرة ۱۰۴

مکتوب مستر مارلینگ به مشیرالدوله

طهران ، ۲۴ فوریه ۱۹۰۸
[۵ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۱ محرم ۱۳۲۶]

جناب اجل عالی

اکنون قریب شش ماه است از وقتی که سفیر دولت اعلیحضرتی با کمال افتخار در یادداشت خویش مورخه ۳۱ ماه اوت [۸ شهریور ۱۲۸۶ ؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۵] به وزیر امور خارجه سابق اطلاع از شروطی داده است که دولت فخیمه بنابر آن خواهش دولت ایران را برای تأخیر ایصال اقساط استهلاك قرضه ۱۹۰۳ خواهد پذیرفت تا به حال نه جواب یادداشت مزبور فرستاده شده و نه دولت شاهنشاهی قسط استهلاك را که بایستی در آوریل ۱۹۰۷ [۱ فروردین ۱۲۸۶ ؛ صفر ۱۳۲۵] تأدیه شده باشد پرداخته اند.

بنابراین با کمال افتخار بر حسب تعلیماتی که بتوسط منشی مخصوص وزارت امور خارجه دولت فخیمه به من داده شده به جناب شما اطلاع می دهم که بواسطه نرسیدن قسط استهلاك و با وجود اظهاراتی که مکرر شفاهاً در این خصوص نموده ام و نیز بی جواب ماندن یادداشت فوق الذکر سیراسپرینگ رایس ، لذا دولت اعلیحضرتی بریطانیا چنین تصور کرده است که دولت ایران شروط مندرجه در آن یادداشت را بطور سکوت پذیرفته است.

نمره - ۱۰۵

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۶ مارس)

از طهران ، به تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸
[۱۹ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار خلاصه معموله وقایع و حوادث یکماهه ایران را بانضمام خلاصه صورتی از جلسات چهار هفته گذشته مجلس ملی لفاً ارسال می دارد.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوف نمرة ۱۰۵

قسمتی از خلاصه وقایع یکماهه

طهران

مجلس ملی: اوضاع و حالات ناگوار امور که در خلاصه سابق راپورتش داده شده بود بهیچوجه بهبودی حاصل ننموده .

روز ۱۶ فوریه [۲۶ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۶] مجلس پس از مباحثات با

هیجان عاقبت عزل آصفالدوله وزیر داخله را که مورد ایرادات مختلفه واقع شده بود رأی گرفت. از جمله ایراد وارده بروی این بود که قوام‌الملک را بدون تصویب مجلس اجازه داده بود به فارس مراجعت کند. کابینه را مجدداً تشکیل خواهند داد. وزارت مالیه را به صنیعالدوله تفویض نمودند و قرار شد نظام‌السلطنه با مقام رئیس الوزرائی نیز وزارت داخله را دارا باشد.

احتشام‌السلطنه هنوز به ریاست مجلس اشتغال دارد. هیچگونه اشکال و زحمتی متعاقب حمله و تاختی که روز ۲۸ ژانویه [۷ بهمن ۱۲۸۶؛ ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۵] به آقاسید عبدالله آورده بود تولید نگردید زیرا مجتهد مذکور وقتی به آن مطلب ننهاد به بطور بی‌اعتنائی گذراند.

باز مردم متوحش می‌باشند که شاه و درباریان مرتجع وی دوباره شروع به اقدام خواهند نمود و در افواه شایع است که عملاً قریب یک حمله پلتیکی (کودتا) دیگری به ظهور خواهد رسید ولی بالنسبه در ظرف چهار هفته گذشته آرامی موجود بود. سعدالدوله هنوز در سفارتخانه هلند متوقف است.

جرائد: جرائد طهران اتصالاً مقالات سخت برضد سلطنت و حتی مهیج شورش بطبع می‌رسانند و یکی از روزنامه‌جات شرحی در تمجید قاتلین پادشاه پرتقال و ولیعهدش نوشته بود و یکی دیگر از جرائد هفتگی به طایفه قاجاریه پرداخته آنان را عیب‌جویی و ملامت می‌کرد.

انجمنها یا مجامع سیاسی: صورت اسامی یکصد انجمن برای سفارت برداشته شد که مهمترین آنها انجمن آذربایجان است (به ریاست تقی‌زاده و دارای دوهزار و نهصد و شصت و دو عضو) انجمنها اتصالاً به کارهای پلتیکی می‌پردازند.

(امضا) جی . پی . چرچیل

منشی شرقی

به تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

استراباد

قوائی که برای حکومت گسیل گردید عبارت بود از یکصد سوار تیموری و دو بیست سوار کرد و فوج پیاده‌نظام سمنان. حاکم پنجاه و چهار نفر از اسرائی که تراکمه اسیر برده بودند استرداد نمود. و چون انجمن ولایتی به وی دستور می‌داد که تا اموال منهوبه را تماماً استرداد نکند نایستی اردوی خود رابه قلعه [= آق‌قلعه؟] حرکت دهد لهذا از مجلس شورای ملی درخواست داشت که یا قشون بیشتر برای او روانه دارند و یا به انجمن ولایتی امر شود که در کار وی مداخله ننماید.

رشت

در پنجم فوریه [۱۵ بهمن ۱۲۸۶؛ یکم محرم ۱۳۲۶] نایب‌الحکومه کسما را در همان محل بقتل رسانیدند و قاتلین تا پانزدهم ماه مزبور دستگیر نشدند. وقوع این قتل موجب

بیم و دهشت سایر حکام نواحی آن ولایت گردیده است. در قومن اکنون هیچیک از ملاکین نمی‌توانند به املاک خود رفته سرکشی نمایند.

مشهد

مشهد هنوز آرام است. اذهان عامه بطرف انتخابات بلدییه که مشروطیین کنترل آن را داشتند معطوف بود. بعضی از علمای مرتجع متحداً در تسکین هیجان اقدام نموده ولی مخالفت آشکار آنها بی‌نتیجه بود. عالم بزرگ مشهد از خوف عواقب امور بامشروطه خواهان همراهی نمود.

اصفهان

در ۱۵ فوریه حاکم استعفاء کرده بطرف طهران رهسپار گردید.

یزد

در ۲۰ فوریه [۱ اسفند ۱۲۸۶؛ ۱۷ محرم ۱۳۲۶] تلگرافی واصل شد مشعر براینکه در نوگنبد پستی که بطرف یزد می‌رفته بسرقت رفته. معلوم می‌شود که سارقین اسبهای پستی را در سه منزل که نائین ونوگنبد و شاه نو باشد بسرقت برده‌اند و بعلاوه شش نفر را با ۴۲ الاغ از یک قافله که در راه منزل کرده بودند برده‌اند. پستی که از یزد می‌آمد در ۱۷ فوریه [۲۷ بهمن؛ ۱۴ محرم] در شاه‌نو بسرقت رفته غلام پست^۱ مضروب و تفنگ و فشنگ سه نفر مستحفظ و چهار اسب پستی متعلق به عقدا را برده‌اند. به این طریق اسبهای چهارمنزل راه بسرقت رفته و ایاب و ذهاب پستی بی‌ترتیب شده است.

کاشان

در ۱۴ فوریه [۲۴ بهمن؛ ۱۱ محرم] حاکم باتفاق پنجاه سوار از طهران و ۲۰۰ نفر از اهالی کاشان سعی نمود که به محلی که در دوج به دست نایب حسین بود قهراً داخل شود. از قرار راپورت واصله او بتهنایی ایشان را منهزم نموده است [۲۶ بهمن؛ ۱۳ محرم] حاکم بعضی از سارقین را دستگیر نموده و معادل چندین هزار تومان اموال مسروقه را که تصور می‌شد نایب حسین سرقت نموده است از آنها باز گرفتند. دسته‌ای از رجاله به‌خانه حاکم حمله برده و محبوسین را مستخلص نموده‌اند. جنگ دوام داشت و از قرار مذکور حاکم عازم طهران است و اهالی از نایب حسین طرفداری می‌کنند. از آن وقت تاکنون دولت ایران به سفارت اعلیحضرتی اطلاع داده که نایب حسین و همراهان او در راه و عازم طهران می‌باشند بخیال آنکه در سفارت پناهنده شوند ولی همینکه به‌مقام ورود کردند در مسجد بست اختیار نمودند.

سیستان

پست ایران که در ۲۱ فوریه [۲ اسفند؛ ۱۸ محرم] از سیستان برای مشهد فرستاده شد مابین نصرت آباد و بارنگک بسرقت رفت. سواری که همراه آن بود مقتول و مبلغ ۱۰۰۰ تومان متعلق به بانک شاهنشاهی ایران سرقت شد.

کرمان

دسته‌ای مرکب از یکصد و پنجاه سارق در شمس که در راه یزد واقع است اجتماع نموده و تاکنون از دهات دور و حوالی ۲۰۰۰ رأس گوسفند برده‌اند. قریب دویست نفر سوار و پیاده ناحیه دور رفسنجان را در اواسط فوریه غارت نموده متعاقب آن بطرف بردسیر و ماشک حرکت نمودند.

شیراز

نزاعی مابین کدخدایان کنار تخته ودالکی در راه شیراز از ۲۳ ژانویه الی ۲۷ [۲ بهمن؛ ۱۸ ذیحجه تا ۶ بهمن؛ ۲۲ ذیحجه] آن ماه منجر به جنگ گردید. در ۲۱ ژانویه [۳۰ بهمن؛ ۱۶ ذیحجه] راپورت داده شد که پستی که از بوشهر به شیراز می‌آمده در پل دالکی بسرقت رفته و از آن تاریخ تا اواسط فوریه پسته بهیچوجه به شیراز نرسید. در این باب مستر گراهم با فرمانفرما و نیز شارژ دافر اعلیحضرتی با دولت ایران مذاکره نموده‌اند.

راه اصفهان هنوز به حال اغتشاش باقی است.

چون به یکی از تجار عمده زردشتیان شیراز کاغذ تهدیدآمیزی نوشته شده بود سفارت اعلیحضرتی در این باب با دولت ایران مذاکره نموده نتیجه این شد که اوامر برای حفظ گبرهای آنجا به کارگزار وزارت خارجه مخابره گردید.

خلیج فارس

بوشهر

آژانس لنگه راپورت می‌دهد که اخبار گرفتاری دزدان دریایی موسوم به حمیدی از طرف مأمورین انگلیس که از بندر ریگ به ذریعه کشتیهای شرعی رسیده باعث تسکین خاطر عموم گردید. طبقات مردم که غالباً در دریا مشغول کار می‌باشند در قهوه‌خانه‌های بوشهر جمع شده از این اخبار آشکارا اظهار بشاشت می‌کنند.

بندرعباس

حمل و نقل مال‌التجاره با قوافل که از شش هفته به اینطرف به علت اغتشاش مملکت موقوف شده بوده در اواخر دسامبر دوباره شروع گردیده قوافل از کرمان ولار ورود

(۱) بهمین گونه است در متن .م.

و خروج می کردند. قوافل کرمان از راه جیرفت به بم می آمدند راه بفت^۱ الی دولت آباد هنوز ناامن است.

(امضا) سی بی استوکس مازور اتاشه نظامی

متمم وقایع یکماهه فوریه ۱۹۰۸

سوء قصد نسبت به شاه در ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

[۹ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۶]

شاه از ۱۲ نوامبر [۱۹ آبان ۱۲۸۶ ؛ ۵ شوال ۱۳۲۵] که به مجلس رفته دیگر تاکنون از قصر سلطنتی بیرون نیامده بود تا امروز ساعت سه بعد از ظهر در حالیکه بطرف دوشان تپه که مقر خارج شهر او است حرکت می نمود حمله جسورانه ای بقصد قتل او بعمل آمد.

ترتیب حرکت او از اینقرار بود: یک اتوموبیل در جلو و یک کالسکه در عقب و مستحفظین سواره و پیاده بطریق معمول مواظب بودند. مسافت کمی که از خانه رئیس بانک دور شده قبل از آنکه به عمارت ظل السلطان برسند چند نفر از بالای بامهای مجاور بنای شلیک به اتوموبیل که تصور می کردند شاه در آن است گذاردند. ظاهراً بواسطه ارتفاع محل اقامت خود توی اتوموبیل و کالسکه را نمی توانستند ببینند. سپس دو بمب بطرف اتوموبیل انداخته آنرا بکلی از هم متلاشی نموده دو نفر را مقتول و قریب ۷ نفر را مجروح کردند. خود شاه که در کالسکه عقب اتوموبیل نشسته بود فوراً بیرون آمده در یک خانه ای همان نزدیکی پناه گرفت. این مسئله فوراً اسباب هیجان فوق العاده شده اعلیحضرت شاه پیاده سالمأ به قصر مراجعت نمودند.

دکتر لیندلی اعلیحضرت را به یک حال خیلی مضطربی دیده بود. درباریان تماماً عرض تبریک تقدیم نمودند. شارژ دافر اعلیحضرتی عباسقلی خان را مأمور نمود که از استخلاص شاه از این بلیه تبریکات تقدیم نماید.

جی. پی. سی

نفره - ۱۰۶

مکتوب مستر مارلینگک به سرادوردگری (واصله ۱۶ مارس)

طهران ، ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

[۷ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۶]

ماه محرم به آخر رسید. برخلاف انتظارات عمومی هیچ قسم اغتشاش رخ نمود. تشکیل هیئت وزراء که مدتی انتظار آن می رفت در ۲۸ شهر جاری شروع گردیده آصف الدوله بنابر تصویب مجلس ظاهراً برای آنکه قوام الملک را برضد میل واضح و کلای فارس رخصت مراجعت به شیراز داده بود معزول گردید. علت حقیقی عزل او این بود که مجلس با آنکه تصمیم نموده بود در کابینه تغییری بدهد از آن می ترسید که یک مرتبه دست همه را از کار کوتاه کند و اینطور صلاح دانست که ابتدا از وزیر داخله (۱) بهمین گونه در متن اصلی آمده است. شاید منظور بافت باشد. از تحقیقات نتیجه بدست نیامده. م.

شروع کند. نظام السلطنه از وزارت مالیه دست کشیده به مقام آصف الدوله منصوب گردید. اگر چه این تغییرات یحتمل آخری و قطعی تصور نمی‌شود ولی تاکنون بی‌مناسبت نبوده و امیدبخش است. بطور حتم صنایع الدوله برای وزارت مالیه از نظام السلطنه بهتر است. مجلس قبول صدارت نظام السلطنه را به این امید نمود که با تجربیات و بصیرتی که از اوضاع مملکت دارد می‌تواند تا یک اندازه اعاده نظم نماید ولی مشروطیین بر او بهیچوجه اعتماد حقیقی نداشته چون او یکی از سیاسیون مدرسه قدیم است.

صنایع الدوله که از وزارت مالیه به جای او منصوب گردیده اول شخصی است که به ریاست پارلمان تعیین گردید.

راپورت تغییر دیگری یعنی عزل قائم مقام از طرف شاه همین حالا برای من رسید. در عرض ماه گذشته شاه از مداخله آشکارا در امورات مملکت استنکاف نموده ولسی اینطور شیوع دارد که خود را آماده کودتای دیگری می‌سازد و مبنای این شایعات ظاهراً آن است که بنا بر راپورتی که واصل شده مقداری تفنگ از راه محمره برای او وارد می‌شود و از ورامین مشغول جمع‌آوری و تجهیز همراهان خود می‌باشد. ظن قوی انجمنهای پلتیکی این است که اعلیحضرت شاه عنقریب اقدامی خواهند نمود.

نارضایتی عامه از مجلس کسب قوت می‌نماید و محض آنکه با مطالبه عموم مردم در بهبودی اجزاء مرکبه آن موافقت شده باشد مجلس به جای اعضای متوفی یا مستعفی خود وکلای جدید انتخاب نموده است. از طرف دیگر مجلس در نظام امورات جاریه خود بیش از پیش صورت رسمیت داده و کلیه کارهای مهم در جلسات سری یا اجلاسات محرمانه کمیته‌های مختلفه به انجام می‌رسد. این طریق خیلی ضرر دارد چرا که بدینوسیله برای وکلای مقتدر خیلی سهل می‌گردد که در راه جلب منافع شخصی خودکار کنند و این خود یکی از عللی است که نارضایتی از مجلس را روز بروز تزیید می‌نماید. محتمل است که برحسب پیشنهاد احتشام السلطنه بردایره سری بودن امورات توسعه داده شود به این معنی که چون احتشام السلطنه ظاهراً مایوس است از اینکه از خود مجلس نتایج مطلوبه بدست آورد و او را عقیده این است که فقط عاجی که بنظر می‌رسد این است که اعمال و مشاغل مجلس را بواسطه تشکیل کلوب مجلس به آن هیئت غیرمسئول غیررسمی واگذار نماید.

از خلاصه وقایع این ماه معلوم می‌گردد که در اوضاع ایالات و ولایات بهبودی حاصل نشده و شیراز نسبتاً به حال آرامی باقی است. ورود حاکم جدید صاحب اختیار (وزیر مخصوص) بطور آرام گذشت ولی چیزی که باید ملاحظه شود این است که از ورود قوام‌الملک که حاکم با وجود عدم موافقت وکلای فارس به آن راضی شده چه نتیجه بوقوع خواهد رسید.

در پاییز گذشته من با کمال شدت در مسئله مراجعت این سرکرده مقتدر متقلب که پیشنهاد شده بود مخالفت نمودم ولی چون توقیف او در طهران چنانچه دولت ایران انتظار داشت وسیله اعاده نظم فارس نگردید من در این موقع خود را به همین اقناع نمودم که او راشدیداً متنبه نمایم که هرگاه تجدید اغتشاش شود همان باعث طلب بازگشت او

خواهد گردید. حکومت ایالت در حقیقت به دست او خواهد افتاد چنانچه فعلاً وصول مالیات را به عهده گرفته و مستر گراهم پیش‌بینی می‌کند که این کار باعث تولید اشکالات مابین او و حکومت خواهد گردید و صاحب اختیار که شخص مقتدزی نیست همین حالا تا اندازه‌ای ترس او را فرا گرفته است.

شهر یزد و کاشان در واقع به دست شورشیان افتاده؛ اصفهان جزو ولایاتی است که بدون حکومت می‌باشد؛ اهالی کرمان هم به نایب‌الحکومه خود پیغامی فرستاده‌اند او را نصیحت به رفتن نموده‌اند.

ایاب و ذهاب قوافل مابین بوشهر و شیراز به حالت سکون است و پسته دولتی از ۱۴ ژانویه [۲۳ دی؛ ۹ ذیحجه] تاکنون موفق به عبور نشده. در راه از طهران به یزد هم همینطور اغتشاشات سخت وجود دارد و یک دسته سارقین قوی در نائین راه عبور و مرور را بر عموم مسدود داشته‌اند در طرف مشرق هم سرقت سختی مابین نصرت‌آباد و بیرجند بوقوع رسیده پسته را زده‌اند. مشیرالدوله نیز مرا اطلاع داده که در حوالی خرم‌آباد اغتشاش سختی بظهور رسیده الوار حاکم محلی را در قلعه افلاک محاصره نموده‌اند.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۱۰۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواریگری (واصله ۱۳ آوریل)

طهران ۲۶ مارس ۱۹۰۸

[۶ فروردین ۱۲۸۷؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۶]

در باب سوء قصد نسبت به شاه که در ۲۸ ماه گذشته بعمل آمد گمان می‌کنم تفصیلی که ذیلاً از بابت وقوع آن نگاشته شده اساساً صحت داشته باشد.

اعلیحضرت شاه از درب مشرقی قصر در کالسکه شش اسبه بیرون آمده در جلو آن کالسکه دیگری و یک اتومبیل سرباز و راننده آن شخص فرانسوی بود. در جلو آنها عده‌ای از مستحفظین قصر بودند. بعضی از آنها در جلو کالسکه و اتومبیل می‌رفتند و امیربهادر و مسیو شاپشال همراه کالسکه بودند که شاد در آن نشسته و خوب او را محافظت می‌نمودند. از قرار معلوم اتومبیلچی وقتی که از کوچه باریک که تا خانه مسیو رابینو چند ذرعی مسافت داشته عبور می‌کرده شخصی را دیده است که از یک کوچه‌ای بیرون آمده چیزی که با پارچه روی آن را پوشانیده بوده در دست داشته و تا اندازه‌ای او را خوف و وحشت احتمال وقوع حمله بر شاه فرا گرفته و علیهذا فوراً سرعت اتومبیل را رانده به امید آنکه از محل انفجار نارنجک دور شود. شخصی که خیال کشتن را داشت هم بایستی خود را باخته باشد چونکه نارنجک قبل از آنکه به اتومبیل برسد به مسافتی در عقب اتومبیلچی به زمین خورده صدمه به او وارد نیامده بدون آسیب از محلی که نشسته بود به یک طرف انداخته شد. به اتومبیل هم اندازه‌ای صدمه وارد آمد. یک تخته بدنه آن خرد

[شد] و سرپوش آن هم سوراخ بزرگی پیدا کرد. لحظه‌ای بعد نارنجك دیگری انداخته شد، این دفعه مابین اتومبیل و کالسکه اول به زمین خورده و از انفجار آن یکی از اسبهای جلوی مقتول و دیگری مجروح گردید. در همانوقت از بالای بامهای مسطح خانه‌های نزدیک شلیک شد. دونفر از این نارنجك مقتول و هفت یا هشت نفر مجروح شدند. همراهان شاه از این واقعه مضطرب‌الحال گردیده امیربهادر جنگ و مسیو شاپشال خود را فوراً به محل انفجار رسانیده شاه را تا چند دقیقه تنها گذاردند و هر دوی اینهارولورهای خود را بیرون آورده بر اشخاصی که بالای بامها بودند خالی نمودند. ولی مسیو شاپشال از قرار تقریر خودش آنقدر مضطرب گردیده بود که با آنکه حتی يك تیر هم در حقیقت از رولور خود خالی نکرده بود تصور می‌کرده است که بر آنها شلیک می‌کرده. سپس او و امیربهادر جنگ دریافتند که شاه بلامحافظ مانده و به عجله تمام مراجعت نمودند که شاه را از کالسکه خود بیرون آورند و کوشش نموده شاه را بطرف خانه‌ای که نزدیک آنجا بود هدایت نموده چون درب آن را بسته دیدند از وسط کوچه عبور کرده بطرف خانه کالسکه‌چی‌باشی شاه رفته ورود به آنجا نمودند. شاه در آن لحظه آرام بود و يك گیلان آب خواست ولی همینکه به او اظهار شد شاید آبی که برای او می‌آورند سمی باشد راضی شد که منتظر ورود آبدار خود بشود. پس از آن خواست از آن خانه بیرون رفته بطرف قصر برود ولی همینکه از خانه بیرون آمد دوسه تیر مجدداً خالی شده و یکی از آنها از قرار مذکور به دیوار قرب آنجا فرود آمد. اعلیحضرت شاه پس از آن تفنگ یکی از مستحفظین بختیاری را که آنجا ایستاده بود گرفته خواست به حمله کنندگان شلیک کند ولی مسیو شاپشال و امیر بهادر جنگ او را از این کار منع نمودند، بدون ملاحظه رسمیت او را بطرف پناهگاه سوق دادند. همینکه به خانه وارد شد اعلیحضرت تا چند دقیقه بی‌اندازه متغیر و غضبناک شده فرمان داد که تمام خانه‌های آن محله را کوبیده و ساکنین آنرا بقتل رسانند ولی غضب او بزودی فرو نشسته و تا شلیک موقوف شد پیاده بطرف قصر روان گردیده مردم در راه با شوق و ذوق تمام او را تبریک و تهنیت می‌گفتند.

این مسئله قدری اسباب تشویش خیال است که گارد امیربهادر جنگ بمجرد آنکه از حمله به شاه آگاه گردیدند فوراً شروع به غارت عابرین و چپاول خانه‌های مجاور نموده حتی دو اسب و اگون را هم دزدیدند فردا صبح آن روز آنها را مسترد داشتند. چیزی که محل تأسف است این است که باوجود آنکه عموم مردم پس از استخلاص شاه از این تهلکه او را تبریک گفتند احساسات اهالی پایتخت و اکثر ایالات و ولایات تأسف دارد از اینکه چرا نتیجه مطلوبه بدست نیامد.

روز بعد چند نفر را دستگیر نمودند و از قراری که بر همه معلوم شد مرتکبین واقعی بدست نیامدند و در حقیقت کوشش فوق‌العاده ظاهراً برای کشف آنها بعمل نیامد چراکه تا چند روز پس از این واقعه اقدامی نشد و آنوقت اولیاء امور در صدد برآمده ظاهراً اقدام نموده درب خانه‌ای را که مقفل بود و نارنجك دومی از آنجا انداخته شده بود جبراً گشودند و آنقدر در این کاری اعتنائی شد که شاه مجبوراً دستخطی برای مجلس فرستاد که دولت

را وادار به اجرای اعمال خود نمایند. نارنجکها کوچک و از آهن ریخته نازک ساخته شده بودند و این خود دلیلی است برای آنکه منشاء آن از خارجه بوده چون اهالی این مملکت از ریخته گری و قو فی ندارند. درباب محرکین این حمله اخبار مختلف شیوع دارد. اول شخصی که ظن در حق او برده شد ظل السلطان بود. پنجره های عمارت اندرونی این شاهزاده در بالای محل وقوع این حادثه می باشد. بعد از آن انجمن آذربایجان به این عمل متهم گردید فقط بهمین دلیل که از زمان بحران ماه دسامبر اهالی تبریز بیش از سایر نقاط با شاه طرف بودند. در اواخر ماه قتل قوام الملك و حمله ای که به قصد قتل پسرش در شیراز بوقوع رسید انظار عامه را بطرف خود معطوف داشته ولی اختلال حواس عامه بزودی برطرف شده و فعلا هیچ احتمال نمی رود که اقدامات سختی برای تفتیش و تحقیق مسئله که منتج به نتیجه شود بعمل آید.

از قرار معلوم نارنجکی که صبح روز بعد از حمله انداخته شد حمله کنندگان به عجله مخفی داشتند و سپس دو نفر از نوکرهای صاحب اختیار که خاکروبه می بردند آن را پیدا کردند.

نمره - ۱۰۸

مکتوب مستر مارلینگک به سر ادواردگری (واصله ۱۳ آوریل)

طهران ۲۶ مارس ۱۹۰۸

[۶ فروردین ۱۲۸۷؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً سواد نوت متحدالمالی که سفیر روس و من در خصوص امکان وقوع تغییر در اداره حالیه گمرکات ایران به دولت عرضه داشته ام بانضمام سواد جوابی که از وزیر امور خارجه برای من رسیده انقاد می دارم.

جواب آنظوری که می خواستیم موافق دلخواه نیست، در جواب مذکور است که راپورت وقوع تغییر بی اساس است ولی بهیچوجه از حیث آنکه به همین نزدیکی تغییری در آن داده نخواهد شد اطمینان بخش نیست. نظر به اطمینانات شفاهی که مشیرالدوله به من و مسیو دوهارت ویک داده که دولت قصد اخراج مستخدمین بلژیکی را ندارد لازم نمی دانم که برای اطمینان واضح تر کتبی فشار وارد آورم.

(امضا) چارلس م. مارلینگک

ملفوفه ۱ در نمره ۱۰۸

نوت متحدالمال روس و انگلیس به مشیرالدوله

طهران، ۶ مارس ۱۹۰۸

[۱۶ اسفند ۱۲۸۶؛ ۳ صفر ۱۳۲۶]

جنابا اگر چه دولت ایران سابقاً به این سفارت اطمینان کامل داده بودند که در طریقه اداره نمودن گمرکات تغییری داده نخواهد شد از قرار راپورتهایی که حالا شیوع دارد

معلوم است دولت در خیال بعضی تغییرات در اداره مذکور می‌باشند. بنابراین محترماً از جنابعالی استدعا می‌کنم که اطمینان سابق خود را تجدید نموده و هرگاه این راپورت از صحت خالی باشد آن را تکذیب فرمایید. (امضا) چارلس.م. مارلینگ

ملفوفه ۲ در نمره ۱۰۸

ترجمه مکتوب مشیرالدوله به مستر مارلینگ

۱۹ مارس ۱۹۰۸

[۲۹ اسفند ۱۲۸۶؛ ۱۶ صفر ۱۳۲۶]

در جواب مراسله ۶ شهر جاری که در خصوص تغییر در اوضاع گمرکات استفسار فرموده بودید افتخاراً اظهار می‌دارم که اقدامی برای تغییر وضع گمرکات نشده و این خبر بی‌اساس است. (امضا) مشیرالدوله

ملفوفه نمره ۱۰۹

خلاصه وقایع ایران در ظرف چهار هفته لغایت ۲۷ مارس ۱۹۰۸ [۷ فروردین ۱۲۸۷؛

۲۴ صفر ۱۳۲۶]

طهران

مجلس ملی: کابینه وزراء که مجدداً بطریق ذیل تشکیل گردیده در ۲۹ فوریه [۱۰ اسفند ۱۲۸۶؛ ۲۶ محرم ۱۳۲۶] به مجلس آمدند.

وزیر داخله و صدراعظم	نظام السلطنه
وزیر عدلیه	مؤید السلطنه
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیر امور خارجه	مشیر الدوله
وزیر جنگ	ظفر السلطنه
وزیر تجارت و گمرک	مؤمن الملک
وزیر معارف	مخبر السلطنه

حکام جدید

تغییر عمده که داده شده تعیین ظل السلطان به فرمانفرمایی فارس است و شاهزاده مذکور در ۲۰ شهر جاری بطرف شیراز رهسپار گردید. علاء الملک به حکومت اصفهان تعیین شده و سردار معتضد (بهجت الملک) بطرف کرمان حرکت نموده است. ظهیر الدوله رئیس مشهور هیئت اخوت درویش که سابقاً حاکم کرمانشاه بود به حکومت رشت تعیین گردیده است. (امضا) جی. پی. چرچیل
سکرتری شرقی

تبریز

در عرض ماه فوریه شهر تبریز نسبتاً آرام بود. مأمورین محلی از قرار معلوم دست بالا را گرفته و توانسته‌اند به کار خود بپردازند. اوامر آنها مجری و پلیس در کوچه‌ها گشت و گذار می‌نمود.

استرآباد

از قراریکه آژانس انگلیس راپورت داده سپهدار (وزیر تلگراف) حاکم استرآباد اقدامات مجدانه برای منظم داشتن تر کمتهای غیر منقاد آن سامان بکار برده است .

رشت

ویس قنسول اعلیحضرتی در مراسله دهم مارس خود می‌نویسد که محتشم‌الملک و سردار همایون که کفالت حکومت به عهده آنها است هر دو استعفا نموده‌اند. انجمنهای پلتیکی جدید هر روز تشکیل و تجارت موقوف شده است . شبها شهر ناامن است و به مردم حمله می‌شود و دکانها به غارت می‌رود.

کرمان

در اوائل فوریه چهار نفر در رفسنجان داخل خانه گبری شده و پس از آنکه از دکانش معادل هزار و پانصد تومان وجه نقد و اجناس غارت نمودند براو با رولور شلیک کرده به خیال اینکه مرده است او را به حال خود باقی گذاردند. شخص گبر پس از چند ساعت خود را به خانه یکی از رفقاییش رسانیده و چون گلوله به گلویش خورده بود و نمی‌توانست صحبت کند شرح ماوقع را نوشت. شخص مجروح را به کرمان آوردند و معلوم شد که شش گلوله به گلو و آرواره اش خورده بود. امید چنان می‌رود که بهبودی حاصل نماید. در این تازگی مردم رجاله با گبرهای بم و کرمان بدرفتاری می‌کنند. آنها از قنسول اعلیحضرتی استدعای حفظ خود را نمودند و مشارالیه از نایب‌الحکومه وعده گرفت که آنچه بتواند در منع بدرفتاری ایشان اقدام نماید. در ماه فوریه کرمان به حال مغشوش باقی بود و [به دنبال] مراجعت عدیل‌الملک که به حکومت اصفهان معین شد سردار معتضد به جای او منصوب شده است. تعیین او موافق میل عموم نبود و این باعث بستن بازارها شد.

چند نفر سارقین سواره در چند میلی مالوم در ۱۵ فوریه به دو تاجر هندو زده معادل هزار و پانصد تومان اجناس آنها را بردند. سارقین کبوترخان را که منزل دوم راه یزد است اخیراً غارت نموده و اسبهای پستی را سرقت کرده‌اند.

کرمانشاه

در هفته اول مارس ورود سیداکبر که یکی از ملاهای ارتجاعی طهران است باعث قدری اغتشاش گردید. کفیل حکومت اعاده نظم نموده و سید مزبور را برحسب امر

طهران تبعید به کربلا کردند.

بواسطه نزاع مابین نایب‌الحکومه‌های منصورالملک، حاکم موزروئی، ناحیه گوران تازگی در حال اغتشاش است. فاتح‌السلطنه، داماد شاهزاده سالارالدوله، اخیراً به شهر خرم‌آباد حمله نموده آنرا قبضه و تمام مایملک حکومت را غارت کرده. حاکم در خانه مجتهد بزرگ آنجا پناهنده گردید. حاکم لرستان برادرزاده نظام‌السلطنه صدراعظم بحالیه است.

شیراز

صاحب اختیار فرمانفرمای فارس در ۸ فوریه [۱۸ بهمن؛ ۵ محرم] به محل اقامت خود رسید و در ضمن ملاقات با قنصل اعلیحضرتی اظهار داشت گمان می‌کند مراجعت قوام‌الملک به شیراز اسباب اغتشاش خواهد بود. قوام در ۲۰ فوریه [یکم اسفند؛ ۱۶ محرم] از طهران ورود نمود. در ۷ مارس [۱۷ اسفند؛ ۴ صفر] بر قوام در حیاط عمارت خودش شلیک شده پنج گلوله به او خورده گلوله ششم یکی از نوکران را که در استخلاص آقای خودش کوشش کرده بود مقتول نمود. قوام پس از بیست دقیقه وفات نمود. شخص قاتل سپس بر شکم خود تیرخالی نموده ولی دستگیر و محبوس گردید. مستر گریهم [گراهم] همین که از واقعه مستحضر شد به خانه قوام رفت. دو پسران قوام [سالارالسلطان و نصرالدوله] اطلاع دادند که قاتل، شخصی نعمت‌الله نام، اخیراً کالسکه‌چی و مستخدم معتمد دیوان بوده و تهدید به این نمودند که از معتمد دیوان که بانی این جنایت تصور می‌شد انتقام کشیده و قطعه کاغذی که می‌گفتند از جیب قاتل در آورده بودند ابراز داشته بر روی آن نوشته بود قاتل نصرالدوله و اظهار داشتند ما می‌دانیم این خط کی است. مستر گریهم از آنها استدعا نمود نگذارند همراهانشان اقدامات متعدیانه بنمایند. شخص قاتل چند ساعت بعد مرد و از قراری که پسران قوام اظهار داشتند قبل از مرگ اعتراف کرد بر اینکه معتمد دیوان و سید لاری اغوای به قتل او نموده بودند. مستر گریهم پس از آن از فرمانفرما که بی‌اندازه مضطرب و باقوت تمام از پسران قوام طرفداری می‌نمود ملاقات کرد. روز دیگر مستر گریهم مجدداً از او ملاقات کرد و اغتشاش حواس او تا اندازه‌ای کمتر شده جناب معظم‌له معتمد دیوان را برای تحقیق و تفتیش به قصر احضار نمود و بهمراهی عده کثیری مستحفظ‌وقتی که هوا تاریک شده قصر آورده شد. روزنهم مارس، در حالی که سالارالسلطان همراه جنازه قوام بود تیری به رانش خورده و از قرار مذکور یکی از ملاحی بزرگ هم از آن تیر زخمی شده - ملای مذکور همان‌روز وفات نمود ولی سالارالسلطان روبه بهبودی است. از قرار مذکور شخصی موسوم به سید احمد دستکی سرکرده دسته‌ای که با قوام مخالف هستند تیر را خالی کرده - این شخص را پس از آنکه کشتند جسد او را به چوبی آویزان کرده نخط بر آن ریختند و سوزانیدند و آنچه از جسد او باقی ماند به خندق شهر ریخته شد. حالا محقق شده که آن سید تیر خالی نکرده بود. در همان روز قوامیها از فرمانفرما مطالبه خون معتمد دیوان را نمودند ولی فرمانفرما جوابی به آنها داده سر آنها را پیچانید. روز دهم به آرامی گذشت و در ۱۱ مارس [۲۱ اسفند